

امنیت غذایی در کشورهای اسلامی

حسن مرزوقی*

چکیده

این مقاله در پی بررسی وضعیت امنیت غذایی در کشورهای اسلامی و مقایسه آن با کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه می‌باشد. برای این منظور، تولید سرانه (که یک شاخص مهم بلند مدت عملکرد تولید است) گروه‌های عمده غذایی شامل غذاهای اصلی برای تأمین کربوهیدراتها، سبزیجات و میوه‌ها برای تأمین ویتامین‌ها و گوشت و ماهی برای تأمین پروتئین با مقادیر متوسط جهانی این اقلام مقایسه خواهد شد. هدف از انتخاب متوسط‌های جهان به عنوان یک مرجع، صرفاً برای آن است که ملاحظه شود کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی نسبت به کل تولید جهانی که با سطح بهره‌وری و تکنولوژی فعلی به دست می‌آید، در چه جایگاهی قرار دارند.

در این مقاله، ابتدا امنیت غذایی تعریف می‌شود و سپس میزان زمین قابل استفاده در فعالیتهای کشاورزی و جمعیت بخش کشاورزی مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس با ملاحظه نقش بخش کشاورزی در اقتصاد کشورهای اسلامی، میزان تولید و تجارت محصولات کشاورزی و مواد غذایی در این کشورها بررسی خواهد شد.

مقدمه

مواد غذایی به عنوان نیاز زندگی، همواره در مرکز فعالیتهای بشری قرار داشته است. اجتماعات بشری، بعد از تجارب زیادی که در رابطه با قحطی و گرسنگی داشته‌اند، سعی نموده تا ابزارها و نیازهای ضروری را توسعه بخشد و راههایی را برای فایق آمدن بر بحران‌های غذایی که گاه ناشی از حوادث طبیعی و در برخی مواقع نیز ریشه اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی دارند، پیدا نماید. در گذشته، قحطی و گرسنگی عمدتاً ناشی از بروز عوامل طبیعی و یا وقوع جنگ بوده است اما امروزه علاوه بر این عوامل، علل اقتصادی نیز می‌تواند موجب بروز بحران غذا گردد به گونه‌ای که در برخی مواقع، بروز قحطی و گرسنگی ناشی از عدم وجود غذا نیست بلکه می‌تواند به علت عدم وجود پول کافی برای خرید مواد غذایی باشد.

دسترسی کلی به غذا در جهان، به معنای آن نیست که هر فردی در هر کجای جهان دسترسی آزاد به مواد غذایی دارد. زیرا مواد غذایی دارای یک ارزش بازاری (قیمت) بوده و برخی از افراد درآمد کافی برای خرید آن را ندارند و همچنین توزیع غذا نامطلوب بوده و کمک‌های غذایی کافی نیست. به همین سبب میلیون‌ها انسان گرسنه هستند یا حتی به علت وجود قحطی می‌میرند.

وجه مشخصه بخش کشاورزی در جهان عبارت است از وجود عدم تعادل‌های بزرگ و رشد یابنده بین عرضه و تقاضا در هر کشور، به طوری که در کشورهای صنعتی افزایش عرضه بیشتر از افزایش تقاضاست در حالی که در کشورهای در حال توسعه، افزایش تقاضا بیش از افزایش عرضه می‌باشد.

گرچه رشد تولید جهانی مواد غذایی، سریع‌تر از رشد بی‌سابقه جمعیت در ۴۰ سال گذشته بوده است، اما بسیاری از کشورهای فقیر و میلیون‌ها نفر از مردم فقیر در این فراوانی سهم نبوده‌اند و از ضعف امنیت غذایی رنج زیادی برده‌اند. برخی از کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نبوده‌اند و تنها تعداد کمی از آنها در امر محصولات غذایی خودکفا هستند. گروه کوچکی از آنها که صادرکننده نفت محسوب می‌شوند، گرچه هنوز در امر محصولات غذایی خودکفا نیستند اما درآمد کافی برای واردات مواد غذایی خود دارند. بقیه کشورها که بخش عمده کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی را تشکیل می‌دهند و عمدتاً در آفریقا واقع شده‌اند، نه میزان تولیدات مواد غذایی آنها در حد کافی است و نه امکان تأمین مالی برای واردات مواد غذایی در حد کافی را دارند.

اگر چه اقتصاد کشورهای اسلامی، به استثنای صادرکنندگان نفت، هنوز به طور عمده متکی به فعالیتهای کشاورزی است اما آنها قادر به رسیدن به خودکفایی در مواد غذایی نبوده‌اند. بر همین

اساس، آنها به شدت متکی به واردات مواد غذایی هستند که این امر بر میزان دسترسی به غذا و امنیت غذایی این کشورها تأثیر منفی داشته است.

۱. امنیت غذایی

امنیت غذایی به مفهوم دسترسی مداوم تمامی افراد جامعه به غذای کافی به منظور دستیابی به یک زندگی سالم و فعال می‌باشد. باید توجه داشت که عوامل اصلی امنیت غذایی را «میزان دسترسی» به مواد غذایی و «توانایی برای خرید» آن تشکیل می‌دهد.

میزان دسترسی به مواد غذایی از دو طریق امکان پذیر می‌شود که عبارتند از تولید و تجارت، بنابراین لزوماً امنیت غذایی به معنای خودکفایی در محصولات غذایی نمی‌باشد. به علاوه، دسترسی به مواد غذایی تنها بخشی از امنیت غذایی را تشکیل می‌دهد و بنابراین اهمیت امکان خرید مواد غذایی به اندازه اهمیت میزان دسترسی به غذا می‌باشد. به عبارت دیگر، امنیت غذایی هم طرف عرضه و هم طرف تقاضای مشکل غذا را در برمی‌گیرد.

امنیت غذایی هم در سطح ملی و هم در سطح افراد جامعه اندازه گیری می‌شود. اما در این مقاله به علت در نظر گرفتن کل کشورهای اسلامی از یک سو و محدودیت اطلاعات از سوی دیگر، امنیت غذایی در سطح ملی مدنظر قرار می‌گیرد.

عرضه مواد غذایی در یک کشور به سطح تولید داخلی، بخشی از تولید که وارد بازار می‌شود (مازاد تولیدات تولید کننده)، مقدار واردات مواد غذایی و میزان کشتش ذخایر موجود، بستگی دارد. مشکلات امنیت غذایی در سطح بین‌المللی، لزوماً ناشی از عرضه نامناسب غذا (آن گونه که عده زیادی اعتقاد دارند) نیست بلکه ناشی از ضعف قدرت خرید نیز می‌باشد. بنابراین در صورت کافی بودن تولید داخلی مواد غذایی، وضعیت مبادلات خارجی کشورها مهمترین عامل تعیین کننده امنیت غذایی برای افراد جامعه می‌باشد. توانایی یک کشور برای جبران کمبودهای غذایی خود، برحسب سهم واردات غذایی از تجارت کالایی توضیح داده می‌شود.

در آستانه قرن بیستم و یکم هنوز هم، قحطی، گرسنگی، سوء تغذیه و خشکسالی بخش عمده‌ای از جمعیت برخی از نقاط جهان را که عمدتاً در بردارنده کشورهای کمتر توسعه یافته می‌باشد، آزار می‌دهد. گرچه عمدتاً از عواملی مانند کمپایی منابع طبیعی، فشارهای ناشی از عدم کنترل جمعیت و بلاهای طبیعی، به عنوان مهمترین عوامل تأثیرگذار بر این بلای انسانی نام برده شده، اما عوامل واقعی عمدتاً ریشه عمیقی در نحوه ساختار کلیت بخش کشاورزی، اقتصاد ملی و فرایند کلی توسعه

کشورهای تحت تأثیر قرار گرفته، دارد. نکته مهم این است که قدیمی‌ترین و اساسی‌ترین فعالیت انسانی، یعنی کشاورزی، در برخی مناطق از جهان که به داشتن زندگی و حکومت‌های سنتی شهرت داشته‌اند، همواره توأم با مشکل بوده است. این امر نشان می‌دهد که توسعه نیافتگی و فقر دست در دست هم به پیش می‌روند.

از جمله نکات مهم دیگر آن است که اگر چه کشورهای اسلامی به عنوان یک مجموعه، از منابع طبیعی، انسانی و مادی خوبی برخوردارند، اما نزدیک به نیمی از کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی با مشکل غذا مواجه هستند. به علاوه، با توجه به ارزشهای غیرمادی (روحانی) که به دلیل وجود روحیه برادری و رحم و شفقت در اسلام وجود دارد، انتظار می‌رود که کشورهای اسلامی قادر به حل این مسأله اساسی در داخل خودشان و در قالب یک استراتژی کلی کشاورزی، باشند.

با توجه به مطالب پیش گفته، کشاورزی باید همواره جایگاه ممتازی در برنامه‌های کاری سازمان کنفرانس اسلامی داشته باشد. ارزیابی پیشینه فعالیتهای سازمان کنفرانس اسلامی در این زمینه حیاتی به وضوح نشان می‌دهد که واقعیات و کارهای انجام شده بسیار دور از حد مورد انتظار است. دلایل متعددی برای این امر وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به وضعیت جهانی، به ویژه ظرفیت بالای کشاورزی در کشورهای صنعتی، تمایل به افزایش حمایت از تولیدات داخلی و سایر عللی که از خود کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی سرچشمه می‌گیرد، مانند فقر گسترده توده‌های روستایی، غفلت آشکار از کشاورزی برای دوره‌های مدید، عقب افتادگی دانش فنی و پایین بودن بهره‌وری در کشاورزی، اشاره نمود.

بنابراین ضرورت اتخاذ یک استراتژی توسعه، با در نظر گرفتن کشاورزی در مرکز آن، در جهت پیشگیری از این وضعیت و معکوس کردن روند آن، برای بسیاری از کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی وجود دارد.

۲. فعالیتهای رسمی سازمان کنفرانس اسلامی در رابطه با همکاری

در زمینه‌های غذا و کشاورزی طی سالهای ۹۴-۱۹۷۵

با توجه به آنچه ذکر شد، کمبود غذا و امنیت غذایی در کشورهای اسلامی از دیرباز به عنوان یکی از مشکلات اساسی در سازمان کنفرانس اسلامی مطرح بوده است. در حقیقت، در فاصله ششمین کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی در سال ۱۹۷۵ که طی آن بسط و گسترش یک برنامه کامل برای مبارزه با مشکل غذا پیشنهاد گردید، و دومین نشست گروه کارشناسان غذا و کشاورزی در

سال ۱۹۷۹ که طی آن مقدمات اولین کنفرانس وزرای کشاورزی نهایی گردید، نگرانی سازمان کنفرانس اسلامی در رابطه با کشاورزی عمدتاً معطوف به مواد غذایی بود. شکل گیری کمیته ساحل^۱ و فعالیتهای آن، گرچه بخشی از اقدامات سیاسی سازمان بود، اما تا اندازه‌ای نیز دال بر این نگرانی بود. واقعیات این است که موضوع غذا با تولیدات کشاورزی، بهره‌وری، میزان استفاده از عوامل تولید، ساختارهای زیربنایی منطقه، سیاستهای کشاورزی، تجارت و سایر مسایل مربوطه، ارتباط تنگاتنگی دارد. این واقعیات در برنامه سازمان کنفرانس اسلامی برای تقویت همکاریهای اقتصادی در میان کشورهای عضو که در سومین کنفرانس سران که در سال ۱۹۸۱ در طائف عربستان سعودی برگزار گردید و مورد پذیرش واقع شد، به خوبی منعکس شده است.

اولین کنفرانس سازمان کشورهای اسلامی در سطح وزرا در ارتباط با امنیت غذایی و توسعه کشاورزی، در سال ۱۹۸۱ برگزار گردید. جهت‌گیری این کنفرانس نه فقط در جهت تعیین و تعریف مسایل موجود در این زمینه بود، بلکه همچنین در جهت یافتن ریشه‌های این مشکل و به دنبال آن، موافقت بر روی مجموعه‌ای از معیارهایی بود که بتواند به طور مؤثری زمینه رفع مشکلات را فراهم سازد. بر این اساس، اولین کنفرانس وزرا به منظور پذیرش یک «برنامه عملیاتی»^۲ در زمینه محصولات غذایی و کشاورزی برای کشورهای عضو مشتمل بر تصمیمات بسیار جزئی و ریز که بسیاری از موضوعات مناسب را در برمی‌گرفت، تصمیم‌گیری نمود. در این رابطه، کشورهای مختلف عضو به طور انفرادی به مطالعات در زمینه‌های کلیدی به عنوان مراحل مقدماتی برای آغاز برنامه مذکور، پرداختند. یکی از مهمترین پی‌آمدهای اولین کنفرانس وزرای کشاورزی کشورهای عضو، شروع و قانونمند شدن نشست‌های همکاری وزرای کشاورزی این کشورها بود.

در سال ۱۹۸۶، دومین کنفرانس وزرای کشورهای عضو در رابطه با توسعه محصولات غذایی و کشاورزی تشکیل گردید. این کنفرانس میزان تحقق تصمیمات اتخاذ شده در اولین کنفرانس وزرا را مورد بازنگری قرارداد و با پذیرش پیشنهادات گروه کاری، برنامه تحقیقاتی خود را مشخص نمود. همچنین این کنفرانس زمینه‌های انجام همکاریهای جدیدی از قبیل همکاری در زیر بخشهای ماهیگیری و تکنولوژی ماهیگیری، آبیاری و دامداری را فراهم نمود و در این رابطه گروههای کارشناسی مختلفی ایجاد گردید. در این کنفرانس مقرر گردید که مرکز آنکارا به عنوان «هماهنگ

1. Sahel Committee
2. Program of Action

کننده مراکز^۳ میان تحقیقات کشاورزی و مؤسسات آموزشی تعیین و مشخص گردد. همچنین، ایجاد شبکه مراکز تحقیقاتی کشاورزی^۴ به عنوان یک ابزار بالقوه در تعیین استراتژی‌ها و برنامه‌های توسعه کشاورزی در کشورهای عضو با تاکید ویژه بر تولید تکنولوژی و تحقیقات کاربردی در زمینه‌های مربوطه، مدنظر قرار گرفت.

سومین کنفرانس وزرا در رابطه با امنیت غذایی و توسعه کشاورزی در سال ۱۹۸۸ در اسلام آباد تشکیل گردید که روند کلی اقدامات انجام شده و به ویژه اقدامات مربوط به امنیت غذایی و حمایت‌های مقرر شده برای حل مشکلات کشورهای آفریقایی را مورد بازنگری قرار داد. ایجاد «ذخیره امنیت غذایی سازمان کنفرانس اسلامی»^۵ نیز در این کنفرانس مورد موافقت قرار گرفت. به علاوه، کنفرانس مذکور امور مربوط به تجارت مواد غذایی مانند ترتیبات ترجیحی تجاری، برنامه‌های مبادله کالا، اقدامات مشترک و استانداردهای هماهنگ شده را مورد بررسی قرار داد.

در سطح بخشی، تاکید کنفرانس بر حیوانات زنده، مرغداری و ماهیگیری به عنوان زمینه‌های بالقوه منفعت‌زا برای بسط همکاری‌های میان اعضا بود. در یک سطح کلی‌تر، کنفرانس سوم وزرا، اصول عنوان شده در پیش نویس اعلامیه مربوط به امنیت غذایی کشورهای اسلامی را که در آکادمی علوم اسلامی امان تهیه شده بود، مدنظر قرار داد.

در سال ۱۹۹۱، سمپوزیوم «امنیت غذایی در آفریقا» در کنار ششمین کنفرانس سران کشورهای اسلامی در داکا برگزار گردید. این سمپوزیوم مشترکاً به وسیله بانک توسعه اسلامی، سازمان کنفرانس اسلامی، بانک توسعه آفریقایی و دولت سنگال سازماندهی شده بود. نتایج به دست آمده از این سمپوزیوم، به ششمین کنفرانس سران ارایه گردید. در ششمین کنفرانس سران دهه ۲۰۰۰ - ۱۹۹۱ به عنوان دهه امنیت غذایی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی نامگذاری گردید.

مهمترین نکته نهفته در این اقدامات، آن است که میزان موفقیت تصمیمات اتخاذ شده، به میزان تمایل کشورهای عضو برای افزایش همکاری بین اعضا در زمینه امنیت غذایی و توسعه کشاورزی و همچنین زمینه‌های همکاری، بستگی دارد. تجارب گذشته حاکی از آن است که به‌رغم اهمیت موضوع برای اکثر کشورهای عضو، دستاوردهای حاصله بسیار ناچیز بوده است.

3. Coordinating Centres
4. Agricultural Research Centres
5. DIC Food Security Rserve

۳. میزان زمین مورد استفاده

زمین، مهمترین عامل در هر فعالیت اقتصادی و به ویژه در فعالیتهای کشاورزی به شمار می آید. به رغم اهمیت اقتصادی زمین، کل زمین در دسترس محدود است و به علاوه، فقط بخشی از زمینهای هر کشور قابل استفاده برای فعالیتهای کشاورزی می باشد. اطلاعات موجود حاکی از آن است که سطح زمینهای زیر کشت جهان طی چند سال اخیر تقریباً ثابت بوده است. از سوی دیگر، در وضعیت موجود به نظر می رسد که امکان افزایش قابل ملاحظه زمینهای قابل کشت در جهان وجود داشته باشد زیرا یکی از راههای افزایش سطح زمینهای زیر کشت از بین بردن جنگل هاست که خود باعث تغییرات جوی و محیط زیستی شده و در بلند مدت می تواند تأثیر معکوسی بر آب و هوای منطقه و در نتیجه میزان تولید و بهره وری کل زمینهای منطقه داشته باشد. بنابراین، در حال حاضر تنها راه افزایش تولیدات کشاورزی، بهبود روشهای آبیاری، استفاده از کودهای شیمیایی، مکانیزه نمودن فعالیتهای کشاورزی، استفاده از روشهای پیشرفته تولیدی و به طور کلی بهبود دانش فنی و ابزارهای مورد استفاده می باشد.

در جدول شماره (۱) ملاحظه می گردد که در سال ۱۹۹۶، سطح زمینهای قابل کشت در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی بالغ بر $۲۶۳/۸$ میلیون هکتار بوده است. در میان کشورهای اسلامی، بیشترین سطح زمین قابل کشت به ترتیب مربوط به کشورهای قزاقستان ($۳۱/۹$ میلیون هکتار)، نیجریه ($۳۰/۴$ میلیون هکتار)، ترکیه ($۲۴/۵$ میلیون هکتار) و پاکستان (۲۱ میلیون هکتار) بوده است. این سه کشور به همراه کشورهای اندونزی و جمهوری اسلامی ایران مجموعاً بیش از نیمی از کل زمینهای قابل کشت کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی را در اختیار دارند. کشورهای مالدیو، بحرین، بروئی و کویت کمترین زمین قابل کشت را در اختیار دارند.

جدول (۲) نشان دهنده سهم کشورهای اسلامی از کل سطح زمین جهان و همچنین نحوه کاربری این زمینها می باشد. به طوری که در این جدول ملاحظه می گردد، کشورهای اسلامی حدود $۲۰/۷$ درصد از کل سطح زمینهای جهان را که شامل کل مساحت هر کشور به استثنای سطح رودخانه ها و دریاچه ها می باشد، در اختیار دارند. سهم کشورهای اسلامی از سطح زمینهای قابل کشت جهان معادل $۱۵/۹$ درصد می باشد.

جدول ۱ - برخی از شاخصهای بخش کشاورزی در کشورهای اسلامی

نسبیت کشاورزی (مکبر)	تعداد ژاکور	زمین قابل کشت (هزار هکتار)	سهم کشاورزی از GNP (درصد)	سهم کشاورزی از نیروی کار (درصد)	سهم کشاورزی (درصد)	جمعیت بخش کشاورزی (هزار نفر)	کل جمعیت (میلیون نفر)	نام کشور
۱/۱۲	۹۲۰۲۲	۷۵۲۱	۱۳	۲۳/۸	۲۳/۴	۶۶۱۳	۲۸/۵۷	الجزایر
۰/۴۴	۱۴۰	۱۴۳۰	۳۸	۵۹	۵۸/۷	۲۳۸۰	۵/۵۹	یتیم
۰/۳۴	۱۳۵	۳۲۹۰	۳۵	۹۲/۴	۹۲/۴	۹۹۶۵	۱۰/۷۸	بورکینافاسو
۰/۶۵	۵۰۰	۵۹۶۰	۴۰	۶۷/۶	۶۷/۶	۹۱۷۲	۱۳/۵۶	کامرون
۰/۶۲	۱۷۰	۳۲۴۱	۴۶	۸۰/۳	۸۰/۳	۵۲۳۳	۶/۵۲	چاد
۰/۱۶		۷۸	۳۷	۷۴/۸	۷۵/۱	۴۷۳	۰/۶۲	کومور
۰/۱۴	۹۰۰۰۰	۲۸۰۰	۱۷	۳۱/۹	۳۳/۳	۲۰۱۵۹	۶۰/۶	مصر
۰/۶۶	۱۵۰۰	۳۲۵	۷	۴۴/۳	۴۴/۱	۴۹۰	۱/۱۱	گابن
۰/۱۹	۴۵	۱۷۵	۲۸	۷۹/۳	۷۹/۴	۹۰۵	۱/۱۴	گامبیا
۰/۰۹	۵۰۰	۵۹۵	۲۶	۸۴/۸	۸۴/۸	۶۳/۷۷	۷/۵۲	گینه
۰/۳۳	۱۹	۲۰۰	۵۴	۸۴/۱	۸۴/۱	۹۱۷	۱/۰۹	گینه-بیسائو

ادامه جدول ۱

نسبت جمعیت کشاورزی (هکتار)	تعداد زاکور	زمین قابل کشت (هزار هکتار)	سهم کشاورزی از GNP (درصد)	سهم کشاورزی از تولید کار (درصد)	سهم کشاورزی از جمعیت (درصد)	جمعیت بخش کشاورزی (میلیون نفر)	کل جمعیت (میلیون نفر)	نام کشور
۵/۹۵	۳۳۰۰۰	۱۸۱۵		۵/۵	۵/۵	۳۰۵	۵/۵۹	لیبی
۰/۳۹	۲۵۱۵	۴۶۰۶	۳۸	۸۲/۸	۸۲/۸	۹۲۲۶	۱۱/۱۲	مالی
۰/۴۴	۳۳۰	۴۸۸	۲۵	۳۷/۵	۳۷/۵	۱۱۰۸	۲/۲۵	موریتانی
۰/۸۲	۴۲۰۰۰	۸۸۰۶	۲۰	۴۰	۴۰/۰	۱۰۷۴۳	۲۶/۸۵	مراکش
۰/۲۰	۵۷۵۰	۲۹۵۰	۳۷	۸۱	۸۱/۰	۱۴۴۱۴	۱۷/۸	موزامبیک
۰/۵۹	۱۸۰	۴۹۹۴	۳۹	۸۹/۲	۸۹/۲	۸۴۴۷	۹/۴۷	نیجر
۰/۷۲	۱۱۹۰۰	۲۰۴۷۱	۴۴	۳۶/۷	۳۶/۶	۴۲۱۸۱	۱۱۵/۲	نیجریه
۰/۳۶	۵۵۰	۳۲۴۵	۱۸	۷۳/۷	۷۳/۳	۶۲۸۵	۸/۵۷	سنگال
۰/۱۷	۵۵۰	۴۸۶	۴۴	۶۶/۷	۶۶/۷	۲۸/۱۷	۴/۳	سیرالئون
۰/۱۴	۱۸۰۰	۱۰۰۰۰	۶۵	۷۳/۹	۷۳/۹	۷۲/۵۴	۹/۸۲	سومالی
۰/۷۰	۱۰۵۰۰	۱۳۹۲۰	۳۴	۶۷/۹	۶۷/۹	۱۸۵۲۸	۲۷/۲۹	سودان

ادامه جدول ۱

نام کشور	کل جمعیت (میلیون نفر)	جمعیت بخش کشاورزی (هزار نفر)	سهم کشاورزی از جمعیت (درصد)	سهم کشاورزی از نیروی کار (درصد)	سهم کشاورزی از GDP (درصد)	زمین قابل کشت (هزار هکتار)	تعداد تراکتور	زمین جمعیت کشاورزی (هکتار)
توگو	۴/۷	۲۵۷۱	۶۱/۲	۶۱/۲	۲۵	۲۰۷۰	۳۷۰	۰/۸۱
تونس	۹/۰۹	۲۰۷۵	۲۲/۸	۲۲/۶	۱۴	۲۸۴۲	۳۵۱۰۰	۱/۳۷
لوگاندا	۱۹/۸۵	۱۶۸۳۳	۸۶/۸	۸۳/۱	۴۶	۵۰۶۰	۳۷۰۰	۰/۳۰
افغانستان	۲۰/۸۸	۱۴۲۹۸	۶۹/۰	۶۸/۹		۷۹۱۰	۸۴۰	۰/۵۵
آذربایجان	۷/۵۵	۲۲۸۹	۳۰/۳	۲۰/۱	۲۳	۱۶۰۰	۲۹۰۰۰	۰/۷۰
بحرین	۰/۶	۱۰	۱/۷	۱/۷	۱	۲		۰/۲۰
بنگلادش	۱۲۰/۰۷	۷۲۰۹۵	۶۰/۹	۶۰/۹	۳۰	۸۵۰۰	۵۲۰۰	۰/۱۲
برونئی	۰/۳	۵	۱/۷	۱/۸	۲	۲	۷۲	۰/۶۰
اندونزی	۱۹۸/۳۳	۹۷۷۱۹	۴۹/۳	۵۲/۸	۱۶	۱۷۹۳۱	۶۰۰۰۰	۰/۱۸
ایران	۶۱/۱۲	۲۴۴۸۲	۴۰/۰	۲۵/۹	۲۵	۱۷۷۵۰	۲۳۵۰۰۰	۰/۷۲
عراق	۲۰/۶۱	۲۲۰۹	۱۰/۷	۱۰/۷		۵۵۰۰	۳۷۰۰۰	۲/۴۹

ادامه جدول ۱

نام کشور	کل جمعیت (میلیون نفر)	جمعیت بخش کشاورزی (میلیون نفر)	سهام کشاورزی (درصبت ادرصد)	سهام کشاورزی از نیروی کار (درصد)	سهام کشاورزی از GDP (درصد)	زمین قابل کشت (هزار هکتار)	تعداد تراکتور	زمین جمعیت کشاورزی (هکتار)
اردن	۵/۵۸	۶۳۴	۱۱/۴	۱۴/۶	۵	۳۲۰	۶۰۰۰	۰/۵۰
قزاقستان	۱۵/۹۸	۳۵۲۶	۲۹/۱	۲۱	۱۳	۳۱۸۸۶	۱۴۲۲۸۳	۹/۰۴
کویت	۱/۷۵	۲۱	۱/۲	۱/۴	۰/۴	۵	۱۰۰	۰/۲۴
قرقیزستان	۴/۵۷	۱۳۸۶	۳۰/۳	۳۱	۵۲	۹۰۱	۱۹۶۷۰	۰/۶۵
لبنان	۳/۰۸	۱۱۴	۳/۷	۳/۷	۱۲	۱۸۶	۴۰۰۰	۱/۶۳
مالزی	۲۱/۱۷	۴۲۷۲	۲۰/۲	۲۲/۶	۱۳	۱۸۲۰	۳۲۲۹۵	۰/۴۳
مالدیو	۰/۲۶	۷۷	۲۹/۶	۲۹/۱	۲۲/۳	۱		۰/۰۱
عمان	۲/۳	۹۵۸	۴۱/۷	۴۱/۷	۳	۱۶	۱۵۰	۰/۰۲
پاکستان	۱۳۴/۱۵	۷۰۴۸۴	۵۲/۵	۴۷/۱	۲۶	۲۱۰۳۴	۴۰۵۰۰۰	۰/۳۰
قطر	۰/۵۶	۱۵	۲/۷	۲/۶		۱۳	۶۹	۰/۸۷
عربستان سعودی	۱۸/۸۴	۲۴۷۷	۱۳/۱	۱۳/۱	۷	۳۷۰۰	۹۵۰۰	۱/۴۹

ادامه جدول ۱

نسبت زمین به جمعیت	تعداد زاکور	زمین قابل کشت (هزار هکتار)	سهم کشاورزی از GNP (درصد)	سهم کشاورزی از نیروی کار (درصد)	سهم کشاورزی از جمعیت (درصد)	جمعیت بخش کشاورزی (هزار نفر)	کل جمعیت (میلیون نفر)	نام کشور
۰/۹۵	۸۶۵۲	۴۴۹	۳۰	۳۲/۲	۲۲/۱	۴۷۰۰	۱۴/۶۲	سوریه
۰/۳۷	۳۰۰۰۰	۸۲۰	۳۲	۳۷	۳۷/۱	۲۱۹۵	۵/۹۲	تاجیکستان
۰/۸۶	۸۰۷۲۰۳	۲۴۴۷۴	۱۷	۵۰/۵	۴۵/۵	۲۸۵۴۲	۶۲/۶۹	ترکیه
۰/۹۷	۵۰۰۰۰	۱۴۴۰	۲۲/۱	۳۵/۸	۲۲/۵	۱۴۸۶	۴/۵۷	ترکمنستان
۰/۱۷	۲۸۲	۳۵	۲	۹/۶	۸/۵	۲۰۸	۲/۴۴	امارات
۰/۵۹		۴۵۲۰	۲۶	۳۲/۲	۲۲/۶	۷۷۰۶	۲۲/۹۱	ازبکستان
۰/۱۶	۵۹۳۵	۱۴۴۰	۱۸	۵۶/۱	۵۵/۲	۸۷۸۷	۱۵/۹۲	بوسنیا
۰/۳۲	۸۰۰۰	۵۷۷	۵۵	۵۲/۴	۴۹/۵	۱۸۱۷	۳/۶۷	آلبانی
		۱۹	۱۲/۲	۱۴/۱	۰/۰		۲/۵۴	فلسطین
۲/۸۷	۳۱۲۰	۴۸۰		۱۹/۵	۱۹/۹	۱۶۷	۰/۸۴	گویانا
۰/۴۷	۲۲۴۴۱۹	۲۲۸۴۷			۴۷/۴	۵۶۰۳۸۱	۱۱۸۲/۴۹	کل کشورها

منبع:

SESRTCIC Basic Indicators for Islamic Countries. <http://www.SESRTCIC.Org/>

جدول ۲- نحوه کاربری زمینهای کشورهای اسلامی (متوسط ۹۳-۱۹۹۰)

(درصد)

زمینهای آبی	زمینهای جنگلی	مراعات دائمی	محصولات دائمی	زمین قابل کشت	کل زمین قابل دسترس	
۲۵/۱	۹/۹	۲۱/۴	۲۸/۶	۱۵/۹	۲۰/۷	کشورهای اسلامی
۲۶/۱	۴۵/۴	۳۵/۲	۲۳/۷	۴۷/۹	۴۱/۸	کشورهای توسعه یافته
۷۳/۹	۵۴/۶	۶۴/۸	۷۶/۳	۵۲/۱	۵۸/۲	کشورهای در حال توسعه (شامل کشورهای اسلامی)
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	کل جهان
۲/۳	۱۴/۲	۲۷/۰	۱/۰	۷/۹	۱۰۰/۰	کشورهای اسلامی
۱/۲	۳۲/۳	۲۲/۰	۰/۴	۱۱/۸	۱۰۰/۰	کشورهای توسعه یافته
۲/۴	۲۷/۹	۲۹/۱	۱/۰	۹/۲	۱۰۰/۰	کشورهای در حال توسعه (شامل کشورهای اسلامی)
۱/۹	۲۹/۷	۲۶/۱	۰/۷	۱۰/۳	۱۰۰/۰	کل جهان

منبع: Oker Gurler, Food production, Trade and Consumption in the OIC Countries, Journal of Economic cooperation among Islamic countries.

همچنین، بطوری که در جدول (۲) ملاحظه می‌گردد، سهم زمینهای قابل کشت از کل زمینهای قابل دسترس جهان، حدود ۱۰/۳ درصد می‌باشد در حالی که این سهم برای کشورهای صنعتی ۱۱/۸ درصد، برای کشورهای در حال توسعه ۹/۲ درصد و برای کشورهای اسلامی فقط ۷/۹ درصد بوده است. محصولات دائمی فقط ۱ درصد از سطح کل زمینهای قابل دسترس کشورهای اسلامی را تشکیل می‌دهد و سهم چمنزارها و مراعات دائمی ۲۷ درصد و سهم جنگلها ۱۴/۲ درصد می‌باشد.

۴. جمعیت

در سال ۱۹۹۶، جمعیت کشورهای اسلامی بالغ بر ۱/۱۸ میلیارد نفر بوده است که حدود یک

پنجم از کل جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد. این امر در حالی است که در ابتدای دهه گذشته، جمعیت کشورهای اسلامی فقط ۷۶۵/۹ میلیون نفر بوده که ۱۷/۲ درصد از جمعیت کل جهان را شامل می‌شده است.

در دهه گذشته، جمعیت کشورهای اسلامی با نرخ معادل ۲/۸ درصد رشد داشته است که در مقایسه با نرخ رشد جمعیت جهان (۱/۸ درصد) قابل ملاحظه بوده است. نرخ رشد مذکور طی سالهای ۹۰-۱۹۸۰ برای کشورهای در حال توسعه ۲/۱ درصد و برای کشورهای توسعه یافته ۰/۷ درصد بوده است.

به طوری که در جدول (۱) ملاحظه می‌گردد، در سال ۱۹۹۶ بالغ بر ۵۶۰/۴ میلیون نفر (۴۷/۴ درصد) از کل جمعیت کشورهای اسلامی به بخش کشاورزی وابسته بوده‌اند. سهم جمعیت بخش کشاورزی کشورهای در حال توسعه از کل جمعیت بخش کشاورزی در جهان، ۹۶/۲ درصد و جمعیت بخش کشاورزی کشورهای پیشرفته فقط ۳/۸ درصد از کل جمعیت بخش کشاورزی جهان را تشکیل می‌دهد. این امر در حالی است که کشورهای پیشرفته با چنین جمعیت اندکی که در بخش کشاورزی دارند نه فقط غذای مورد نیاز مردم کشورهای خود را تأمین می‌نمایند بلکه بخش قابل ملاحظه‌ای از غذای کشورهای در حال توسعه را نیز تأمین می‌کنند. به عبارت دیگر، به رغم آن که در کشورهای توسعه یافته، بخش کشاورزی بخش کوچکی از جمعیت را به خود اختصاص می‌دهد اما این کشورها بر بازار جهانی غذا حاکمیت دارند.

از سوی دیگر، جمعیت بخش کشاورزی کشورهای توسعه یافته طی دهه گذشته با نرخ ۳/۳ درصد در سال کاهش یافته که نرخ کاهش از سال ۱۹۹۰ به ۳/۶ درصد رسیده است حال آن که بین سالهای ۹۰-۱۹۸۰ در کشورهای در حال توسعه جمعیت بخش کشاورزی با نرخ ۱/۱ درصد و طی سالهای ۹۳-۱۹۹۰ با نرخ ۱ درصد افزایش یافته است.

به طور خلاصه می‌توان گفت که کشورهای توسعه یافته با سهم اندکی از جمعیت بخش کشاورزی، کاهش بیشتری را در جمعیت بخش کشاورزی شاهد بوده‌اند، در حالی که کشورهای در حال توسعه و از جمله کشورهای اسلامی شاهد افزایش جمعیت بخش کشاورزی بوده‌اند. به علاوه، کشورهای توسعه یافته فقط ۴۷/۹ درصد از زمینهای قابل کشت جهان را در اختیار دارند در حالی که سهم کشورهای در حال توسعه ۵۲/۱ درصد می‌باشد. اما کشورهای توسعه یافته به رغم کمتر بودن جمعیت بخش

کشاورزی و زمینهای قابل کشت‌شان، قادر به تولید محصولات کشاورزی به میزانی بیش از نیازشان بوده‌اند لذا در مقیاس جهانی به صورت صادر کننده خالص مواد غذایی درآمده‌اند. البته کلید این موفقیت در افزایش بهره‌وری زمین، نیروی کار و سایر عوامل تولید و همچنین بهبود دانش فنی بوده است.

در بین کشورهای اسلامی، کشورهای بورکینافاسو، نیجر، گینه و گینه بیسائو به طور نسبی بیشترین جمعیت را در بخش کشاورزی داشته‌اند. در حالی که کشورهای اندونزی (با ۹۷/۷ میلیون نفر جمعیت در بخش کشاورزی)، بنگلادش (با ۷۳/۱ میلیون نفر)، پاکستان (با ۷۰/۵ میلیون نفر) و نیجریه (با ۴۲/۲ میلیون نفر) به طور مطلق بیشترین جمعیت را در بخش کشاورزی داشته‌اند.

بررسی سهم بخش کشاورزی کشورهای اسلامی از نیروی کار این کشورها بیانگر آن است که در برخی از کشورها، بخش کشاورزی عمده نیروی کار را به خود اختصاص داده است در حالی که در برخی کشورهای دیگر، سهم بخش کشاورزی از نیروی کار ناچیز است به طوری که در کشور بورکینافاسو ۹۲/۴ درصد از نیروی کار کشور در بخش کشاورزی فعالیت داشته‌اند در حالی که در کشور کویت سهم بخش کشاورزی از نیروی کار فقط ۱/۳ درصد بوده است (جدول ۱).

بررسی اطلاعات مربوط به دوره ۹۶-۱۹۹۰ بیانگر آن است که در ۵۱ کشور از کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، سهم بخش کشاورزی از نیروی کار کشور طی این دوره کاهش یافته است. در ۴ کشور دیگر سهم مذکور ثابت مانده و یا اندکی افزایش داشته است.

۵. نقش بخش کشاورزی در اقتصاد کشورهای اسلامی و تفاوت‌های

بررسی مهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی کشورهای اسلامی نشان می‌دهد که از این نظر نیز کشورهای اسلامی طیف گسترده‌ای را تشکیل می‌دهند و ساختار اقتصاد آنها تفاوت زیادی از یکدیگر دارد.

در برخی از کشورها مانند گینه بیسائو، سومالی و آلبانی بخش کشاورزی بیش از نیمی از تولید ناخالص داخلی کشور را به خود اختصاص می‌دهد در حالی که در برخی کشورهای دیگر مانند امارات متحده عربی و عمان این سهم به کمتر از ۵ درصد می‌رسد. بررسی سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی کشورهای اسلامی حاکی از آن است که به طور کلی از این نظر می‌توان کشورهای

مذکور را به سه دسته تقسیم نمود. گروه اول، شامل کشورهایی است که سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی آنها کمتر از ۱۰ درصد می‌باشد. گروه دوم را کشورهای تشکیل می‌دهند که سهم مذکور برای آنها بین ۱۰ تا ۳۰ درصد باشد. کشورهای که سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص آنها بیش از ۳۰ درصد باشد، گروه سوم را تشکیل می‌دهند. نتایج حاصله در جدول (۳) نشان داده شده است.

جدول ۳- سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی کشورهای
عضو سازمان کنفرانس اسلامی

سهم	۱۹۹۰	۱۹۹۲	۱۹۹۴	۱۹۹۶
کمتر از ۱۰ درصد	۸	۸	۷	۳
۱۰ تا ۳۰ درصد	۱۸	۱۸	۱۷	۲۰
بالاتر از ۳۰ درصد	۱۷	۲۰	۱۷	۱۴
تعداد کشورها	۴۳	۴۶	۴۱	۳۷

مأخذ: Oker Gurler, Food production, Trade and Consumption in the OIC

Countries Journal of Economic Cooperation among Islamic countries

به طوری که در جدول (۳) ملاحظه می‌گردد، در سال ۱۹۹۶ سهم بخش کشاورزی در اقتصاد نیمی از کشورهای اسلامی بین ۱۰ تا ۳۰ درصد و در ۱۴ کشور بالاتر از ۳۰ درصد بوده است که این امر بیانگر میزان اهمیت فعالیتهای کشاورزی در اقتصاد کشورهای اسلامی می‌باشد. همچنین اطلاعات این جدول حاکی از آن است که طی سالهای ۹۶-۱۹۹۰ در مجموع، سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی کشورهای اسلامی کاهش قابل ملاحظه‌ای نداشته است.

۶. تولید محصولات کشاورزی

طی دهه ۱۹۸۰، کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی موفق شدند که میزان تولید

محصولات کشاورزی خود را با نرخى بالاتر از نرخ رشد کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، افزایش دهند. به طوری که در جدول (۴) ملاحظه می‌گردد، طی سالهای ۹۰-۱۹۸۰ نرخ رشد سالیانه تولید محصولات کشاورزی در کشورهای اسلامی معادل ۵/۵ درصد بوده در حالی که در کشورهای توسعه یافته، کشورهای در حال توسعه و کل جهان به ترتیب ۱/۲، ۳/۵ و ۲/۴ درصد بوده است.

همچنین، اطلاعات این جدول حاکی از آن است که سالهای ۱۹۹۱ و ۱۹۹۳ از نظر برداشت محصولات کشاورزی سالهای بدی برای جهانیان محسوب می‌گردد به طوری که طی این دو سال، نرخ رشد تولید محصولات به شدت کاهش و برای جهان به ۰/۳ و ۰/۴ - رسیده است. طی این دو سال، نرخ رشد تولید محصولات کشاورزی کشورهای اسلامی بالاتر از نرخ رشد جهانی و کشورهای توسعه یافته اما کمتر از نرخ رشد کشورهای در حال توسعه بوده است. به طوری که ملاحظه می‌گردد طی سالهای ۹۳-۱۹۸۰ کشورهای اسلامی موفقیت زیادی را در پی تلاش برای افزایش محصولات کشاورزی تولیدی خود به عنوان اولین قدم برای رسیدن به خودکفایی در محصولات غذایی و کشاورزی، به دست آورده‌اند.

از آنجایی که میزان رشد تولید محصولات کشاورزی را بدون توجه به رشد جمعیت نمی‌توان ملاک مناسبی برای افزایش خودکفایی در محصولات کشاورزی به حساب آورد لذا در جدول (۴) نرخ رشد تولید سرانه محصولات کشاورزی نیز محاسبه شده است. مقایسه تولید و تولید سرانه بیانگر آن است که گرچه نرخ رشد تولید محصولات کشاورزی به استثنای سال ۱۹۹۳ در سایر سال‌ها مثبت بوده اما این نرخ بسیار پایین‌تر از نرخ رشد تولید محصولات کشاورزی بوده است که این امر ناشی از نرخ رشد بالای جمعیت در کشورهای اسلامی می‌باشد. اما نکته مهم آن است این است که حتی با احتساب نرخ رشد جمعیت هم، طی سالهای ۹۲-۱۹۸۰ تولید محصولات کشاورزی دارای رشد مثبت بوده است.

جدول (۵) نشان دهنده مهمترین محصولات کشاورزی و همچنین مهمترین غلات تولید شده در هر یک از کشورهای اسلامی در سال ۱۹۹۶ می‌باشد. به طوری که در این جدول ملاحظه می‌گردد، گندم در ۱۳ کشور مهمترین محصول کشاورزی، در ۴ کشور دومین محصول مهم کشاورزی و در ۳ کشور سومین محصول مهم کشاورزی بوده است. همچنین برنج در ۷ کشور مهمترین محصول

کشاورزی، در ۳ کشور دومین محصول و در ۲ کشور سومین محصول مهم کشاورزی بوده است. در ۶ کشور مهمترین محصول کشاورزی کاساوا (نوعی مواد نشاسته‌ای)^۶ بوده است.

جدول ۴- نرخ رشد تولید و تولید سرانه محصولات کشاورزی

۱۹۹۲	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۸۰-۱۹۹۰		نرخ رشد تولید
۱/۸	۵/۵	۲/۶	۵/۵	کشورهای اسلامی	
-۴/۲	-۰/۱	-۲/۷	۱/۲	کشورهای توسعه یافته	
۲/۳	۳/۲	۲/۸	۳/۵	کشورهای در حال توسعه	
-۰/۴	۱/۸	۰/۳	۲/۴	کل کشورهای جهان	
۱۹۹۲	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۸۰-۱۹۹۰		نرخ رشد تولید سرانه
-۰/۴	۲/۷	۰/۳	۲/۲	کشورهای اسلامی	
-۴/۷	-۰/۶	-۳/۳	۰/۵	کشورهای توسعه یافته	
۰/۳	۱/۳	۰/۸	۱/۴	کشورهای در حال توسعه	
-۲/۰	۰/۲	-۱/۲	۰/۷	کل کشورهای جهان	

مأخذ: Oker Gurler, Food production, Trade and Consumption in the OIC

Countries Journal of Economic Cooperation among Islamic countries

از سوی دیگر، بررسی مهمترین غله تولید شده در کشورهای اسلامی بیانگر آن است که گندم، برنج و ذرت مهمترین غلات تولید شده در کشورهای اسلامی بوده است (جدول ۵).

۷. تولید مواد غذایی

با توجه به آنچه در مورد نرخ رشد تولید محصولات کشاورزی ذکر گردید، حال بررسی می‌گردد که آیا این امر افزایش تولید مواد غذایی در کشورهای اسلامی را به دنبال داشته است یا خیر.

جدول (۶) نشان دهنده نرخ رشد تولید مواد غذایی و مواد غذایی سرانه در کشورهای اسلامی و مقایسه آن با سایر کشورهای جهان می‌باشد. اطلاعات موجود حاکی از آن است که طی دهه ۱۹۸۰ کشورهای اسلامی به عنوان یک گروه، در جهت افزایش تولیدات غذایی خود، با نرخ رشد بالاتری نسبت به سایر کشورهای جهان، ترغیب شده‌اند. این امر باعث گردیده تا در حالی که نرخ رشد سالیانه تولید مواد غذایی طی دهه مذکور برای کل جهان $2/4$ درصد و برای کشورهای در حال توسعه و پیشرفته به ترتیب $3/5$ و $1/2$ درصد بوده این نرخ برای کشورهای اسلامی به $5/3$ درصد بالغ گردد. این نرخ طی سالهای ۱۹۹۱ و ۱۹۹۳ همچنان بالاتر از نرخ رشد تولید مواد غذایی کل جهان و کشورهای توسعه یافته اما پایین‌تر از نرخ رشد کشورهای در حال توسعه بوده است.

جدول ۵- مهمترین محصولات کشاورزی تولید شده در کشورهای DIC در سال ۱۹۹۶

نام کشور	مهمترین محصول	دومین محصول	سومین محصول
الجزایر	گندم	سیب زمینی	گوجه فرنگی
بنین	نشاسته کاساوا	سیب زمینی هندی	ذرت
بورکینافاسو	GS	ارزن	نیشکر
کامرون	نشاسته کاساوا	نیشکر	موز
چاد	نیشکر	ارزن	نشاسته کاساوا
کمور	نشاسته کاساوا	برنج	سیب زمینی
مصر	نیشکر	گوجه فرنگی	ذرت
گابن	موز	نشاسته کاساوا	نیشکر
گامبیا	ارزن	بادام زمینی	ذرت
گینه	برنج	نشاسته کاساوا	موز
گینه بیسائو	برنج	موز	ارزن
لیبی	گندم	گوجه فرنگی	سایر سبزیجات
مالی	ارزن	برنج	نیشکر

ادامه جدول ۵

نام کشور	مهمترین محصول	دومین محصول	سومین محصول
موریتانی	برنج	ذرت	ارزن
مراکش	گندم	جو	چغندر قند
موزامبیق	نشاسته کاساوا	ذرت	نارگیل
نیجر	ارزن	GS	نشاسته کاساوا
نیجریه	نشاسته کاساوا	GS	ارزن
سنگال	نیشکر	ارزن	بادام زمینی
سیرالئون	برنج	نشاسته کاساوا	نیشکر
سومالی	GS	نیشکر	ذرت
سودان	نیشکر	GS	ارزن
توگو	الیاف	نشاسته کاساوا	ذرت
تونس	گندم	خرما	گوجه فرنگی
اوگاندا	موز	نشاسته کاساوا	سیب زمینی
افغانستان	گندم	ذرت	انگور
آذربایجان	گندم	انگور	کتان
بحرین	خرما	گوجه	خیار
بنگلادش	برنج	نیشکر	گندم
برونزی	نشاسته کاساوا	برنج	
اندونزی	برنج	نشاسته کاساوا	ذرت
ایران	گندم	چغندر قند	جو
عراق	گندم	گوجه فرنگی	جو
اردن	گوجه فرنگی	سیب زمینی	گندم
قزاقستان	گندم	جو	سیب زمینی
کویت	خیار	گوجه فرنگی	پیاز

ادامه جدول ۵

نام کشور	مهمترین محصول	دومین محصول	سومین محصول
قرقیزستان	گندم	سیبزمینی	جو
لبنان	انگور	سیبزمینی	گوجه‌فرنگی
مالزی	روغن پالم	دانه پالم	برنج
مالدیو	گوش‌فیل		
عمان	خرما	گوجه‌فرنگی	لیمو
پاکستان	نیشکر	گندم	برنج
قطر	خرما	گوجه‌فرنگی	سایر سبزیجات
عربستان سعودی	گندم	خرما	گوجه‌فرنگی
سوریه	گندم	جو	چغندر قند
تاجیکستان	کتان	گندم	کتان
ترکیه	گندم	چغندر قند	جو
ترکمنستان	کتان	گندم	کتان
امارات	گوجه‌فرنگی	خرما	آناناس
ازبکستان	کتان	گندم	کتان
یمن	GS*	گوجه‌فرنگی	گندم
آلبانی	گندم	ذرت	سیبزمینی
فلسطین	گوجه	مرکبات	خیار

* GS = Grain Sorghum

مأخذ:

SESRTCIC Basic Indicators for Islamic countries, [http:// WWW. SESRTCIC. Org/](http://WWW.SESRTCIC.Org/).

جدول ۶- نرخ رشد تولید و تولید سرانه محصولات غذایی (درصد)

سال				نرخ رشد تولید	
۱۹۹۲	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۸۰-۱۹۹۰		
۱/۲	۵/۲	۲/۵	۵/۳		کشورهای اسلامی
-۴/۰	-۰/۵	-۲/۵	۱/۲		کشورهای توسعه یافته
۱/۶	۲/۸	۳/۱	۳/۵		کشورهای در حال توسعه
-۰/۷	۱/۴	۰/۷	۲/۴	کل کشورهای جهان	
سال				نرخ رشد تولید سرانه	
۱۹۹۲	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۸۰-۱۹۹۰		
-۱/۰	۲/۴	۰/۲	۲/۰		کشورهای اسلامی
-۴/۵	-۱/۰	-۳/۱	۰/۵		کشورهای توسعه یافته
-۰/۳	۰/۸	۱/۱	۱/۴		کشورهای در حال توسعه
-۲/۳	-۰/۲	-۰/۹	۰/۷	کل کشورهای جهان	

Oket Gurler, Food production, Trade and Consumption in the OIC مأخذ:

Countries Journal of Economic Cooperation among Islamic countries

در اینجا نیز برای تعیین میزان تأثیر افزایش نرخ رشد مواد غذایی بر خودکفایی کشورهای اسلامی، نرخ رشد جمعیت در محاسبات وارد گردیده که همانگونه که در جدول (۶) ملاحظه می‌گردد با احتساب نرخ رشد جمعیت نیز تولید محصولات غذایی در کشورهای اسلامی طی دهه ۱۹۸۰ افزایش نشان می‌دهد. گرچه نرخ رشد آن کمتر از نصف نرخ رشد مواد غذایی بدون در نظر گرفتن رشد جمعیت می‌باشد.

مقایسه نرخ رشد محصولات کشاورزی و محصولات غذایی بیانگر آن است که طی دهه ۹۰-۱۹۸۰ تولید محصولات کشاورزی در کشورهای اسلامی نسبت به تولید محصولات غذایی اعم از مقدار مطلق و یا سرانه، بالاتر بوده است. طی دوره مذکور، نرخ رشد سالیانه تولید محصولات کشاورزی و نرخ رشد سالیانه تولید سرانه محصولات کشاورزی اسلامی به ترتیب ۵/۵ و ۲/۲ درصد نرخ رشد مواد غذایی و مواد غذایی سرانه به ترتیب ۵/۳ و ۲ درصد بوده است. بالاتر بودن نرخ رشد تولید محصولات کشاورزی نسبت به نرخ رشد تولید مواد غذایی حاکی از آن است که نرخ رشد محصولات کشاورزی غیر غذایی بالاتر از نرخ رشد محصولات کشاورزی غذایی بوده

است. این وضعیت در مورد کشورهای اسلامی که به طور سنتی تحت فشار ناشی از کمبود غذا قرار دارند، یک زنگ خطر محسوب می‌گردد.

در جدول (۷) بهره‌وری در تولید غلات در کشورهای اسلامی و سایر کشورهای جهان مورد مقایسه قرار گرفته است. به طوری که ملاحظه می‌گردد، بهره‌وری در کشورهای اسلامی بسیار پایین است. به طور متوسط طی سالهای ۹۴-۱۹۹۲ در کشورهای اسلامی در هر هکتار، ۱۷۸۲ کیلوگرم غلات برداشت شده است در حالی که این رقم برای کل جهان ۲۷۹۱ کیلوگرم یعنی ۱۰۰۹ کیلوگرم در هکتار بالاتر از کشورهای اسلامی بوده است. میزان داشت غلات در هر هکتار در کشورهای صنعتی بسیار بالاتر بوده است به طوری که به چندین برابر کشورهای اسلامی بالغ می‌گردد. پایین بودن بهره‌وری تولید در کشورهای اسلامی عامل اصلی بسیاری از مشکلات مربوط به تولید مواد غذایی و محصولات کشاورزی، کسری تراز تجاری خارجی و کمبود غذا می‌باشد. چنانچه بهره‌وری در تولید مواد غذایی افزایش و به سطح کشورهای صنعتی و یا حداقل بالاتر از متوسط جهانی برسد، بسیاری از مشکلات مربوط به مواد غذایی کشورهای اسلامی از بین خواهد رفت.

جدول ۷- بهره‌وری در تولید غلات

سال	۱۹۷۹-۱۹۸۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۲-۹۴
متوسط کشورهای اسلامی	۱۳۶۲	۱۷۶۸	۱۷۷۳	۱۸۰۵	۱۷۸۲
جهان	۲۱۹۴	۲۷۹۹	۲۷۴۴	۲۸۳۰	۲۷۹۱
فرانسه	۴۷۰۰	۶۴۸۸	۶۵۱۳	۶۵۵۴	۶۵۱۸
هلند	۵۶۹۶	۷۴۵۹	۷۹۸۳	۷۱۴۶	۷۵۲۹
ایالات متحده	۴۱۵۰	۵۳۵۹	۴۲۹۱	۵۵۷۲	۵۰۷۴

مأخذ: Oker Gurler, Food production, Trade and Consumption in the OIC

Countries Journal of Economic Cooperation among Islamic countries

۷-۱. تولید گوشت

به طوری که در جدول (۸) ملاحظه می‌گردد، در سال ۱۹۹۶ به میزان ۱۶/۹ میلیون تن گوشت در کشورهای اسلامی تولید شده است. کشورهای اندونزی (با ۲۰۶۱ هزار تن)، پاکستان (با ۱۹۶۱

هزارتن)، جمهوری اسلامی ایران (با ۱۳۵۹ هزارتن)، ترکیه (با ۱۱۹۶ هزارتن) و نیجریه (با ۱۰۰۸ هزارتن) بزرگترین تولیدکنندگان گوشت در میان کشورهای اسلامی محسوب می‌گردند. در برخی از کشورهای اسلامی مانند مالدیو و کمور میزان تولید گوشت بسیار پایین و کمتر از ۲ هزار تن بوده است.

در سال ۱۹۹۶، به ازای هر نفر حدود ۱۴/۵ کیلوگرم گوشت در کشورهای اسلامی تولید شده است. کشورهای قزاقستان و مالزی بالاترین تولید سرانه گوشت را در میان کشورهای اسلامی داشته‌اند. کمترین تولید سرانه گوشت مربوط به کشورهای کمور، بنگلادش، گینه و مالدیو بوده است.

۲-۷. ماهی

بررسی میزان ماهی صید شده در کشورهای اسلامی نشان می‌دهد که میزان ماهی صید شده در سال ۱۹۹۶ بالغ بر ۱۰/۶ میلیون هزار تن بوده است (جدول ۸). در بین کشورهای اسلامی، کشورهای اندونزی (با ۳۷۲۹/۸ هزارتن) و مالزی (با ۱۱۳۰/۷ هزارتن) بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند. با توجه به این که بیش از ۴۰ کشور اسلامی مستقیماً به آبهای آزاد دسترس دارند، از یک سو نیازهای غذایی به ویژه کمبود مواد پروتئینی در این کشورها و از سوی دیگر، عدم استفاده مطلوب از منابع غذایی دریایی و پایین بودن میزان ماهی تولید شده توسط این کشورها از جمله مشکلاتی است که این کشورها در امر تولید دارند. به نظر می‌رسد که استفاده از روشهای سنتی قدیمی و همچنین عدم دسترسی به تکنولوژی جدید و صیادی جدید از عواملی است که موجب عدم استفاده مطلوب این کشورها از منابع غذایی دریایی شده است.

تولید سرانه ماهی در کشورهای اسلامی طی سال ۱۹۹۶ حدود ۹ کیلوگرم بوده است. بالاترین تولید سرانه ماهی مربوط به کشورهای مالدیو، مالزی و گویان بوده است.

۳-۷. تولید غلات

در سال ۱۹۹۶ بالغ بر ۲۷۱/۶ میلیون تن غلات در کشورهای اسلامی تولید شده است (جدول ۸). کشورهای اندونزی (با ۶۰ میلیون تن) و ترکیه (با ۲۹ میلیون تن)، بنگلادش (با ۲۸ میلیون تن)، پاکستان (با ۲۵ میلیون تن) و نیجریه (با ۲۲ میلیون تن) بیشترین میزان تولید غلات را در میان کشورها اسلامی داشته‌اند. کمترین میزان تولید غلات مربوط به کشورهای برونی، کویت، عمان، قطر و امارات متحده عربی بوده است. میزان تولید سرانه غلات در کشورهای اسلامی در سال ۱۹۹۶ حدود ۲۳۰

کیلوگرم بوده است. بیشترین میزان تولید سرانه غلات مربوط به کشورهای قزاقستان (۷۰۰ کیلوگرم)، گویان (۶۵۱ کیلوگرم)، ترکیه (۴۶۸ کیلوگرم) و سوریه (۴۱۰ کیلوگرم) و کمترین میزان تولید سرانه غلات مربوط به کشورهای کویت، عمان و امارات بوده است.

۴-۷. تولید میوه و سبزیجات

میزان تولید میوه و سبزیجات کشورهای اسلامی در سال ۱۹۹۶ به ترتیب ۸۱/۷ و ۹۲/۶ میلیون تن بوده است. کشورهای جمهوری اسلامی ایران، اوگاندا، اندونزی، ترکیه و نیجریه به طور مطلق بیشترین میزان تولید میوه را داشته‌اند و کمترین میزان تولید میوه مربوط به کشورهای کویت، گامبیا و برونئی بوده است.

میزان تولید سرانه میوه و سبزیجات کشورهای اسلامی در سال ۱۹۹۶ به ترتیب ۶۹ و ۷۸ کیلوگرم بوده است. بیشترین تولید سرانه میوه مربوط به کشورهای اوگاندا و لبنان به ترتیب با ۴۹۳ و ۴۰۴ کیلوگرم به ازای هر نفر بوده است (جدول ۸).

بیشترین میزان تولید سبزیجات در سال ۱۹۹۶ مربوط به کشورهای ترکیه (با ۲۲ میلیون تن)، مصر (با ۱۱/۷ میلیون تن) و جمهوری اسلامی ایران (با ۱۰ میلیون تن) و کمترین تولید مربوط به کشورهای کمور، گامبیا، برونئی و موریتانی بوده است. همچنین بیشترین تولید سرانه سبزیجات مربوط به کشورهای ترکیه و لبنان بوده است.

۸. تجارت محصولات کشاورزی و مواد غذایی

چنانکه ملاحظه شد فعالیت‌های کشاورزی در کشورهای اسلامی از جایگاه ویژه‌ای در زندگی اجتماعی و اقتصادی این کشورها برخوردار است. سهم جمعیت بخش کشاورزی از کل جمعیت کشور، در کشورهای اسلامی بالاتر از متوسط جهانی می‌باشد به طوری که در سال ۱۹۹۳ سهم جمعیت کشاورزی از کل جمعیت کشورهای اسلامی ۴۷/۷ درصد بوده است در حالی که این سهم برای کل جهان ۴۳/۹ درصد بوده است. به علاوه، سهم فعالیت‌های کشاورزی از تولید ناخالص داخلی کشورهای اسلامی طی سالهای ۹۳-۱۹۹۰ حدود ۲۳/۳ درصد بوده است.

اما به رغم مطالب فوق، کشورهای اسلامی در مجموع، به طور خالص واردکننده محصولات کشاورزی و به ویژه اقلام غذایی می‌باشند.

۸-۱. کل تجارت کالا

در اوایل دهه ۱۹۸۰ سهم کشورهای اسلامی از کل صادرات کالایی جهان بالغ بر ۱۶/۴ درصد بوده که عمدتاً ناشی از افزایش سهم صادرات نفت در تجارت جهانی بوده است. اما در اواخر دهه ۱۹۸۰، این سهم کاهش یافته و به ۷/۵ درصد صادرات جهان رسیده است. طی سالهای بعد نیز این سهم تقریباً ثابت مانده به طوری که در سال ۱۹۹۶ نیز ۷/۵ درصد بوده است. ارزش صادرات کشورهای اسلامی از ۳۳۲/۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به ۲۶۱/۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ و ۳۹۷/۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۶ رسیده است (جداول ۹ و ۱۰).

سهم کشورهای اسلامی از واردات کل جهان (واردات کالا) نیز طی دهه ۱۹۸۰ کاهش و از ۸/۷ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۶/۱ درصد در سال ۱۹۹۰ رسیده است. اما میزان کاهش در واردات کمتر از میزان کاهش در صادرات بوده که به عبارت دیگر به معنای افزایش کسری تراز تجاری کشورهای اسلامی بوده است. سهم کشورهای اسلامی از واردات جهان در سال ۱۹۹۶ حدود ۶/۹ درصد بوده است.

ارزش واردات کشورهای اسلامی در سال ۱۹۸۰ معادل ۱۷۶/۹ میلیارد دلار بوده که در سال ۱۹۹۰ به ۲۷۴/۴ میلیارد دلار و نهایتاً در سال ۱۹۹۶ به ۳۷۳ میلیارد دلار افزایش یافته است.

۸-۲. تجارت محصولات کشاورزی

در زمینه تجارت محصولات کشاورزی، کشورهای اسلامی، واردکننده خالص بوده‌اند. به علاوه طی دهه گذشته، کشورهای اسلامی با کسری‌های بیشتری در تراز تجاری کالاهای کشاورزی خود مواجه شده‌اند. اما باید توجه داشت که در بین کشورهای اسلامی، وضعیت از یک کشور به کشور دیگر متفاوت است به طوری که برخی از کشورها نسبت به دیگران، وابستگی بیشتری به واردات محصولات کشاورزی دارند.

جدول ۸- میزان تولید و تولید سرانه برخی از اقلام غذایی در کشورهای اسلامی (هزار تن - کیلوگرم)

نام کشور	کل تولید						تولید سرانه					
	گوشت	ماهی	غلات	سبزیجات	میوه	گوشت	ماهی	غلات	سبزیجات	میوه	گوشت	
الجزایر	۵۰۸	۹۹/۶۸	۴۶۰۲	۲۲۵۸	۱۲۷۲	۱۷/۸	۳/۵	۱۶۱/۱	۷۹/۰	۴۴/۵		
بنین	۶۷	۴۲	۶۶۸	۲۳۹	۱۶۱	۱۲/۰	۷/۵	۱۱۹/۵	۴۲/۸	۲۸/۸		
بورکینافاسو	۱۰۹	۷/۵	۲۴۶۱	۲۵۴	۷۳	۱۰/۱	۰/۷	۲۲۸/۳	۲۳/۶	۶/۸		
کامرون	۱۹۰	۸۳/۹۸	۱۳۱۴	۴۹۳	۲۱۸۳	۱۴/۰	۶/۲	۹۶/۹	۳۶/۴	۱۶۱/۰		
چاد	۷۲	۱۰۰	۹۳۱	۱۰۲	۱۰۰	۱۱/۰	۱۵/۳	۱۴۲/۸	۱۵/۶	۱۵/۳		
کومور	۲	۱۳	۲۱	۵	۶۰	۳/۲	۲۰/۶	۳۳/۳	۷/۹	۹۵/۲		
مصر	۹۷۴	۲۶۵/۲	۱۶۵۴۲	۱۱۶۹۲	۶۰۳۷	۱۶/۱	۴/۴	۲۷۳/۰	۱۹۳/۰	۹۹/۶		
گابن	۲۸	۴۵/۲	۳۰	۲۳	۲۷۱	۲۵/۲	۴۰/۷	۲۷/۰	۲۰/۷	۲۴۴/۱		
گامبیا	۷	۳۱/۵	۱۰۵	۸	۴	۶/۱	۲۷/۶	۹۲/۱	۷/۰	۳/۵		
گینه	۲۷	۶۴/۶	۸۶۴	۴۲۰	۹۹۰	۳/۶	۸/۶	۱۱۴/۹	۵۵/۹	۱۳۱/۶		

ادامه جدول ۸

نام کشور	کل تولید						تولید سرانه					
	گوشت	ماهی	غلات	سبزیجات	میوه	گوشت	ماهی	غلات	سبزیجات	میوه		
گینه بیسائو	۱۶	۷	۱۷۳	۲۰	۶۰	۱۴/۷	۶/۴	۱۵۸/۷	۱۸/۳	۵۵/۰		
لیبی	۱۳۱	۳۳/۷	۳۲۱	۶۱۹	۲۴۷	۲۳/۴	۶/۰	۵۷/۴	۱۱۰/۷	۴۴/۲		
مالی	۱۹۳	۱۱۱/۹	۲۱۶۳	۳۲۲	۵۲	۱۷/۳	۱۰/۱	۱۹۴/۳	۲۸/۹	۴/۷		
موریتانی	۵۸	۸۵	۲۲۰	۹	۲۲	۲۴/۷	۳۶/۲	۹۳/۶	۳/۸	۹/۸		
مراکش	۴۷۴	۶۳۷/۸	۱۰۱۰۰	۳۲۲۵	۲۶۰۳	۱۷/۷	۲۳/۸	۲۷۶/۶	۱۲۰/۱	۹۶/۹		
موزامبیک	۸۳	۳۴/۹	۱۳۸۰	۱۶۷	۳۶۰	۴/۷	۲/۰	۷۷/۵	۹/۴	۲۰/۲		
نیجر	۱۱۶	۴/۱	۲۳۴۴	۲۶۴	۴۷	۱۲/۲	۰/۴	۲۴۷/۵	۲۷/۹	۵/۰		
نیجریه	۱۰۰۸	۲۲۷/۶	۲۱۶۵۲	۶۰۳۹	۷۱۵۰	۸/۸	۲/۱	۱۸۸/۰	۵۲/۴	۶۲/۱		
سنگال	۱۵۷	۴۳۶/۳	۹۷۶	۳۷۸	۱۳۹	۱۸/۳	۵۰/۹	۱۱۳/۹	۴۴/۱	۱۶/۲		
سیرالئون	۲۰	۶۱/۲	۴۴۲	۱۸۷	۱۵۱	۴/۷	۱۴/۲	۱۰۳/۰	۴۳/۵	۲۵/۱		
سومالی	۱۵۴	۱۵	۲۹۰	۷۴	۲۲۰	۱۵/۷	۱/۵	۲۹/۵	۷/۵	۲۲/۴		

ادامه جدول ۸

نام کشور	تولید سرانه						کل تولید					
	میوه	سبزیجات	غلات	ماهی	گوشت	میوه	سبزیجات	غلات	ماهی	گوشت		
سودان	۲۰/۵	۳۶/۳	۱۹۲/۰	۱/۸	۱۷/۶	۸۳۱	۹۹۰	۵۲۴۰	۴۷/۹	۴۷۹		
توگو	۱۲/۴	۳۷/۹	۱۶۲/۱	۳/۶	۸/۶	۴۸	۱۵۹	۶۸۱	۱۵/۱	۳۶		
تونس	۸۹/۹	۲۰۰/۸	۳۱۶/۷	۹/۲	۱۹/۷	۸۱۷	۱۸۲۵	۲۸۷۹	۸۳/۶	۱۷۹		
اوگاندا	۴۹۲/۷	۲۴/۰	۸۰/۰	۹/۸	۱۱/۰	۹۷۸۱	۴۷۶	۱۵۸۸	۱۹۵/۱	۲۱۸		
افغانستان	۲۹/۵	۲۳/۶	۱۲۲/۷	۰/۱	۱۱/۱	۶۱۵	۴۹۲	۲۵۶۲	۱/۳	۲۳۱		
آذربایجان	۷۹/۲	۱۱۵/۱	۱۲۸/۳	۱/۱	۱۱/۰	۵۹۸	۸۶۹	۹۶۹	۸/۵۱	۸۳		
بحرین	۳۶/۷	۲۱/۷	۰/۰	۲۱/۵	۲۱/۷	۲۲	۱۳		۱۲/۹	۱۳		
بنگلادش	۱۱/۷	۱۲/۶	۲۳۲/۹	۷/۳	۳/۵	۱۴۰۲	۱۵۰۷	۲۷۹۶۹	۸۷۴/۳۵	۴۱۸		
برونئی	۱۶/۷	۳۰/۰	۳/۳	۲۴/۷	۲۶/۷	۵	۹	۱	۷/۴	۸		
اندونزی	۴۹/۱	۲۸/۹	۲۰۴/۶	۱۸/۸	۱۰/۴	۹۷۳۳	۵۷۳۷	۶۰۴۰۹	۳۷۲۹	۲۰۶۱		
ایران	۱۶۵/۴	۱۶۲/۸	۲۶۷/۴	۵/۸	۲۲/۲	۱۰۱۱۰	۹۹۵۰	۱۶۳۴۴	۳۵۱/۷	۱۳۵۹		

ادامه جدول ۸

تولید سرانه						کل تولید						نام کشور			
میوه	سبزیجات	غلات	ماهی	گوشت	میوه	سبزیجات	غلات	ماهی	گوشت	میوه	سبزیجات	غلات	ماهی	گوشت	نام کشور
۷۷/۴	۱۴۵/۵	۹۰/۲	۰/۴	۶/۹	۱۵۹۶	۲۹۹۸	۱۸۵۹	۹	۱۴۲	عراق					
۷۴/۰	۲۰۶/۸	۱۷/۶	۰/۱	۲۰/۱	۴۱۳	۱۱۵۴	۹۸	۰/۴	۱۱۲	اردن					
۸/۹	۴۳/۷	۷۰۰/۱	۲/۹	۵۸/۲	۱۴۳	۶۹۹	۱۱۱۸۷	۴۶/۹	۹۳۰	قزاقستان					
۱/۱	۴۸/۰	۱/۱	۴/۷	۳۳/۷	۲	۸۴	۲	۸/۲	۵۹	کویت					
۲۶/۰	۸۹/۵	۲۹۱/۲	۰/۰	۳۸/۳	۱۱۹	۴۰۹	۱۳۳۱	۰/۲	۱۷۵	قرقیزستان					
۴۰۳/۹	۳۱۱/۰	۲۴/۰	۱/۴	۲۶/۰	۱۲۴۴	۹۵۸	۷۴	۴/۲	۸۰	لبنان					
۵۲/۰	۲۱/۷	۹۶/۷	۵۲/۴	۴۶/۱	۱۱۰۱	۴۵۹	۲۰۴۸	۱۱۳۰/۷	۹۷۵	مالزی					
۳۴/۶	۹۲/۳	۰/۰	۴۰۶/۲	۳/۸	۹	۲۴		۱۰۵/۶	۱	مالدیو					
۸۷/۷	۷۲/۶	۲/۲	۵۲/۹	۱۱/۷	۲۰۲	۱۶۷	۵	۱۲۱/۶	۲۷	عمان					
۳۹/۷	۳۲/۵	۱۸۷/۶	۴/۰	۱۴/۶	۵۳۲۸	۴۳۶۱	۲۵۱۶۳	۵۳۷/۴	۱۹۶۱	پاکستان					
۲۸/۶	۷۵/۰	۸/۹	۸/۴	۳۳/۹	۱۶	۴۲	۵	۴/۷	۱۹	قطر					
۵۵/۳	۱۲۷/۱	۹۹/۸	۲/۵	۲۶/۲	۱۰۴۱	۲۳۹۵	۱۸۸۰	۴۷/۷	۴۹۴	عربستان سعودی					

ادامه جدول ۸

نام کشور	کل تولید					تولید سرانه				
	گوشت	ماهی	غلات	سبزیجات	میوه	گوشت	ماهی	غلات	سبزیجات	میوه
سوریه	۲۷۶	۵/۸	۵۹۹۱	۱۷۸۰	۱۸۶۴	۱۸/۹	۰/۴	۴۰۹/۸	۱۲۱/۸	۱۲۷/۵
تاجیکستان	۵۰	۰/۲	۳۹۱	۶۲۱	۲۳۴	۸/۴	۰/۱	۶۶/۰	۱۰۴/۹	۳۹/۵
ترکیه	۱۱۹۶	۵۲۱/۷	۲۹۳۴۴	۲۲۱۴۹	۹۹۴۷	۱۹/۱	۸/۳	۴۶۸/۱	۳۵۳/۳	۱۵۸/۸
ترکمنستان	۱۰۴	۹	۶۰۰	۶۴۴	۲۰۶	۲۲/۸	۲/۰	۱۳۱/۳	۱۴۰/۹	۴۵/۱
امارات	۸۰	۱۰۷	۷	۷۵۱	۳۰۱	۳۲/۸	۴۳/۹	۲/۹	۳۰۷/۸	۱۲۳/۴
ازبکستان	۴۹۰	۱/۵	۳۵۹۷	۲۰۳۶	۱۱۸۷	۲۱/۴	۰/۱	۱۵۷/۰	۱۲۲/۵	۵۱/۸
یمن	۱۳۷	۱۰۳/۷	۶۶۴	۵۲۰	۳۹۱	۸/۶	۶/۵	۴۱/۷	۳۲/۷	۲۴/۶
آلبانی	۱۲۰	۲/۱۲	۵۲۴	۴۶۰	۱۰۹	۳۲/۷	۰/۶	۱۴۲/۸	۱۲۵/۳	۲۹/۷
فلسطین										
گویانا	۱۳	۴۴/۸۱	۵۴۷	۱۳	۶۰	۱۵/۵	۵۳/۳	۶۵۱/۲	۱۵/۵	۷۱/۴
کل کشورها	۱۶۹۲۰	۱۰۵۵۷/۳۵	۲۷۱۵۶۰	۹۲۵۵۲	۸۱۶۷۸	۱۴/۳	۸/۹	۲۲۹/۷	۷۸/۳	۶۹/۱

منبع:

SERTCIC Basic Indicators for Islamic countries , <http://WWW.SERTCIC.Org/>.

طی دهه ۱۹۸۰ تراز تجاری کالاهای کشاورزی کشورهای اسلامی دارای کسری بوده است. میزان صادرات محصولات کشاورزی کشورهای اسلامی از ۱۶/۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به ۱۸/۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ رسیده که حاکی از ۱/۴ درصد رشد در هر سال می‌باشد. این در حالی است که نرخ رشد صادرات محصولات کشاورزی کشورهای توسعه یافته طی سالهای مذکور ۳/۹ درصد بوده و این نرخ برای کشورهای در حال توسعه و کل جهان به ترتیب ۲/۲ و ۳/۴ درصد بوده است. میزان صادرات کالاهای کشاورزی کشورهای اسلامی در سال ۱۹۹۶ معادل ۳۲/۷ میلیارد دلار بوده که ۷ درصد از کل صادرات محصولات کشاورزی جهان را تشکیل داده است (جداول شماره ۹ و ۱۰).

واردات محصولات کشاورزی کشورهای اسلامی نیز طی دهه مذکور دارای نرخ رشدی معادل ۱/۵ درصد در سال بوده و از ۲۹/۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به ۳۴/۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ و نهایتاً به ۵۱/۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۶ رسیده است. نرخ رشد واردات کالاهای کشاورزی کشورهای اسلامی نیز همانند نرخ رشد صادرات این اقلام کمتر از نرخ رشد واردات کشورهای پیشرفته، کشورهای در حال توسعه و همچنین متوسط کل جهان بوده است.

ضعف عملکرد تولیدی و در نتیجه صادراتی کشورهای اسلامی در زمینه کالاهای کشاورزی باعث افزایش کسری در تجارت محصولات کشاورزی این کشورها از ۱۳/۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به ۱۶/۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ شده است. میزان کسری در تراز تجاری کالاهای کشاورزی کشورهای اسلامی در سال ۱۹۹۶ بالغ بر ۱۸/۸ میلیارد دلار بوده است (جداول ۹ و ۱۰).

تراز تجاری محصولات کشاورزی کشورهای اسلامی در سال ۱۹۹۱ اندکی بهبود یافته اما در سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ با کسری بیشتری مواجه شده است. نسبت صادرات به واردات محصولات کشاورزی کشورهای اسلامی از ۵۴/۲ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۵۸/۹ درصد در سال ۱۹۹۱ افزایش یافته و مجدداً در سال ۱۹۹۳ به ۵۳/۳ درصد رسیده است. این نسبت در سال ۱۹۹۶ معادل ۴۷/۳ درصد بوده است.

سهم محصولات کشاورزی از صادرات کشورهای اسلامی، طی سالهای ۹۳-۱۹۹۰ بین ۷ تا ۷/۳ درصد بوده که در سال ۱۹۹۶ به ۸/۲ درصد رسیده است. در حالی که سهم مذکور در سال ۱۹۸۰ یعنی آغاز دهه قبل فقط ۴/۸ درصد بوده است. پایین بودن سهم کالاهای کشاورزی از صادرات کشورهای اسلامی عمدتاً ناشی از بالا بودن سهم نفت خام و مشتقات آن در صادرات این کشورها بوده است.

در سمت واردات ملاحظه می‌گردد که سهم کالاهای کشاورزی از واردات کشاورزی طی دوره مورد نظر کاهش یافته است. البته باید توجه داشت که این کاهش ناشی از کاهش میزان مطلق واردات محصولات کشاورزی نبوده بلکه ناشی از افزایش بیشتر واردات کالاهای غیر کشاورزی نسبت به کالاهای کشاورزی بوده که باعث کاهش سهم محصولات کشاورزی از کل واردات این کشورها شده است. سهم محصولات کشاورزی از کل واردات کالایی کشورهای اسلامی در سال ۱۹۹۶ معادل $۱۳/۸$ درصد بوده است.

مقایسه سهم کالاهای کشاورزی از صادرات کالایی گروههای مختلف کشورها نشان می‌دهد که سهم محصولات کشاورزی از صادرات کشورهای توسعه یافته در سال ۱۹۹۳ معادل $۸/۸$ درصد بوده در حالی که این سهم برای کشورهای اسلامی فقط ۷ درصد بوده است. در حالی که کشورهای صنعتی عمدتاً صادرکننده کالاهای پیشرفته‌ای هستند که از ارزش افزوده بالایی برخوردارند و طبیعتاً باعث کاهش سهم محصولات کشاورزی در صادرات آنها می‌گردد.

در سال ۱۹۹۳، ارزش صادرات محصولات کشاورزی کشورهای اسلامی بالغ بر $۱۹/۶$ میلیارد دلار بوده در حالی که میزان صادرات این اقلام برای کشورهای توسعه یافته معادل $۲۳۹/۸$ میلیارد دلار (بیش از ۱۲ برابر کشورهای اسلامی) بوده است. همچنین نسبت صادرات به واردات محصولات کشاورزی هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه حدود ۲ برابر این نسبت در کشورهای اسلامی بوده است.

جدول ۹- تجارت محصولات کشاورزی

سال	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	سهم گروه های کشاورزی از صادرات محصولات کشاورزی (درصد)
کشورهای اسلامی	۶/۹	۵/۷	۵/۸	۵/۶	۵/۹	
کشورهای توسعه یافته	۶۸/۹	۷۲/۴	۷۲/۵	۷۳/۶	۷۲/۲	
کشورهای در حال توسعه	۳۱/۱	۲۷/۶	۲۷/۵	۲۶/۴	۲۷/۸	
کل کشورهای جهان	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	
سال	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	سهم محصولات کشاورزی از کل صادرات کالا
کشورهای اسلامی	۴/۸	۷/۱	۷/۳	۷	۷	
کشورهای توسعه یافته	۱۱/۳	۸/۸	۹	۹/۳	۸/۸	
کشورهای در حال توسعه	۱۲/۳	۱۱/۱	۱۰/۵	۱۰	۹/۳	
کل کشورهای جهان	۱۱/۶	۹/۳	۹/۳	۹/۵	۸/۹	
سال	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	سهم گروه های کشاورزی از واردات کالاهای کشاورزی
کشورهای اسلامی	۱۱/۶	۹/۸	۹/۲	۹/۲	۱۰/۵	
کشورهای توسعه یافته	۷۳	۷۵/۵	۷۵/۶	۷۵	۷۲/۷	
کشورهای در حال توسعه	۲۷	۲۴/۵	۲۴/۴	۲۵	۲۷/۳	
کل کشورهای جهان	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	
سال	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	کل واردات کالاهای کشاورزی از کشورهای اسلامی
کشورهای اسلامی	۱۶/۸	۱۵/۸	۱۳/۲	۱۳/۱	۱۳/۴	
کشورهای توسعه یافته	۱۱/۹	۹/۴	۹/۸	۱۰	۹/۴	

ادامه جدول ۹

سال	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳
کشورهای در حال توسعه	۱۴/۴	۱۱/۱	۹/۹	۹/۷	۹
کل کشورهای جهان	۱۲/۵	۹/۸	۹/۸	۹/۹	۹/۳
کشورهای اسلامی	۵۴/۲	۵۳/۴	۵۸/۹	۵۵/۹	۵۳/۳
کشورهای توسعه یافته	۸۶/۶	۸۸/۷	۸۹	۹۰/۸	۹۳/۹
کشورهای در حال توسعه	۱۰۵/۵	۱۰۴/۱	۱۰۴/۲	۹۷/۶	۹۶/۳
کل کشورهای جهان	۹۱/۷	۹۲/۵	۹۲/۷	۹۲/۵	۹۴/۶
کشورهای اسلامی	۱/۴	۴/۱	۲/۸	-۰/۸	
کشورهای توسعه یافته	۳/۹	۱	۹/۴	-۸/۱	
کشورهای در حال توسعه	۲/۲	۰/۲	۳/۵	-۱/۱	
کل کشورهای جهان	۳/۴	۰/۸	۷/۷	-۶/۳	
کشورهای اسلامی	۱/۵	-۵/۶	۸/۳	۳/۹	
کشورهای توسعه یافته	۳/۶	۰/۶	۷/۲	-۱۱/۲	
کشورهای در حال توسعه	۲/۳	۰/۱	۱۰/۴	۰/۲	
کل کشورهای جهان	۰/۵	۸	-۸/۳		

Oker Gurler, Food production, Trade and Consumption in the OIC

مأخذ:

Countries Journal of Economic Cooperation among Islamic countries

۸-۳. تجارت محصولات غذایی

کشورهای اسلامی در تجارت اقلام غذایی نیز وارد کننده خالص می‌باشند. صادرات اقلام غذایی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی از ۷/۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به ۱۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ و ۱۹/۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۶ رسیده است. نرخ رشد صادرات اقلام غذایی برای کشورهای اسلامی طی سالهای ۹۰-۱۹۸۰ حدود ۳/۹ درصد در سال بوده است. سهم کشورهای اسلامی از صادرات اقلام غذایی در جهان از ۴/۸ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۵/۱ درصد در سال ۱۹۹۰ افزایش و در سال ۱۹۹۶ به ۶/۱ درصد رسیده است. در سال ۱۹۹۳ سهم کشورهای اسلامی از صادرات مواد غذایی ۵/۷ درصد بوده در حالی که سهم کشورهای توسعه یافته ۷۵/۱ درصد بوده است (جداول ۱۰ و ۱۳).

در سمت واردات، سهم کشورهای اسلامی از واردات اقلام غذایی جهان از ۱۴/۵ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۱۱/۴ درصد در سال ۱۹۹۰ کاهش یافته اما از آن پس افزایش و در سال ۱۹۹۶ به ۱۲/۵ درصد رسیده است.

جدول ۱۰- کل تجارت کالا، تجارت محصولات کشاورزی و اقلام غذایی کشورهای اسلامی در سال ۱۹۹۶ (صدهزار دلار)

نام کشور	غلات (صدهزار دلار)		اقلام غذایی (به استثنای ماهی)				کل محصولات کشاورزی				کل تجارت کالا		
	واردات	صادرات	تراز تجاری	واردات	صادرات	تراز تجاری	واردات	صادرات	تراز تجاری	واردات	صادرات	تراز تجاری	
الجزایر	۸۷۲۱۱		-۲۱۷۲۴	۲۲۲۷۸	۵۵۴	-۲۶۰۰۰	۲۶۷۰۷	۷۰۷	-۹۴۷۰	۱۰۸۷۸۰	۹۹۳۶۰		
بنین	۳۲۵۵		-۷۳۵	۱۰۱۸	۲۸۳	۶۶۱	۱۲۶۶	۱۸۷۷	-۲۴۱۰	۶۶۵۰	۴۲۲۰		
بوریкинаفاسو	۳۷۹۳	۳۱	-۴۲۴	۷۸۹	۴۶۵	۳۱۲	۹۱۸	۱۲۳۰	-۳۸۵۰	۵۳۵۰	۱۵۰۰		
کامرون	۱۰۸۰	۷	۲۲۱۸	۶۷۹	۲۸۹۷	۵۴۶	۸۹۲	۶۲۸	۵۵۴۰	۱۲۰۴۰	۱۷۵۸۰		
چاد	۱۸۸۴		-۹۶	۴۲۸	۳۳۲	۷۱۸	۵۵۱	۱۲۶۹	-۱۰۸۰	۳۲۲۰	۲۱۶۰		
کومور	۱۰۴۵		-۱۸۳	۲۲۵	۴۲	-۱۹۰	۲۴۲	۴۲	-۵۴۳	۶۲۳	۱۰۰		
مصر	۱۵۸۰۶۹	۱۱۹۳۰	-۲۸۶۱۴	۳۲۰۱۰	۳۵۹۶	-۳۴۴۰۸	۲۸۶۱۹	۵۲۱۱	-۹۴۸۶۰	۱۳۰۲۰۰	۲۵۴۳۰		
گانبن	۲۹۶۶		-۱۲۹۶	۱۳۴۰	۴۴	-۱۵۰۴	۱۶۰۲	۹۸	۲۲۴۸۰	۸۹۸۰	۳۱۴۶۰		
گامبیا	۲۹۳۷	۹	-۶۲۷	۷۵۶	۱۲۹	-۶۹۴	۸۵۴	۱۶۰	-۲۲۰۰	۲۶۴۰	۴۴۰		
گینه	۷۱۶۴		-۱۵۷۴	۱۷۶۳	۱۸۹	-۱۵۹۸	۲۰۳۶	۴۳۳	-۹۹۸	۸۵۸۶	۷۵۸۸		
گینه بیسائو	۲۰۰۶		-۸۹	۲۹۴	۲۰۵	-۱۱۸	۳۳۶	۲۱۸	-۴۲۰	۶۳۰	۲۱۰		

ادامه جدول ۱۰

نام کشور	غلات (ده هزار دلار)			اقلام غذایی (به استثنای ماهی)			کل محصولات کشاورزی			کل تجارت کالا			نام کشور
	تراز تجاری	واردات	صادرات	تراز تجاری	واردات	صادرات	تراز تجاری	واردات	صادرات	تراز تجاری	واردات	صادرات	
لیبی	-۴۱۶۸۸	۶۱۶۸۸		-۱۰۲۵۳	۱۰۴۹۳	۲۶۰	-۱۲۴۶۸	۱۲۸۹۴	۴۵۶	۴۸۱۶۰	۴۹۸۷۰	۹۸۰۳۰	
مالی	-۱۸۰۵	۷۱۲۵	۳۲۰	۴۱۵	۷۲۴	۱۱۳۹	۲۱۸۸	۹۵۵	۲۱۴۳	-۳۳۸۰	۷۳۶۰	۳۹۸۰	
موزمبیک	-۶۸۸۶	۶۸۸۶		-۱۰۳۰	۱۴۲۵	۳۹۵	-۱۱۷۳	۱۵۷۷	۴۰۴	۳۱۸۰	۲۵۰۰	۵۶۸۰	
مراکش	-۵۹۸۸۹	۶۰۸۳۲	۹۴۳	-۴۹۲۵	۱۳۷۷۴	۷۸۴۹	-۸۰۲۱	۱۶۹۷۷	۸۹۵۶	-۳۵۱۱۹	۸۲۵۷۲	۴۷۴۵۳	
موزامبیک	-۹۶۰۱	۹۶۰۱		-۱۵۱۷	۱۸۲۶	۳۰۹	-۱۸۵۱	۲۰۸۴	۵۰۳	-۵۵۱۰	۷۴۴۰	۱۹۳۰	
نیجیر	-۳۰۰۱	۳۰۰۱		-۳۶۲	۷۶۶	۴۰۴	-۶۳۱	۱۰۸۴	۴۵۳	-۱۳۰۰	۴۵۰۰	۳۲۰۰	
نیجریه		-۳۳۵۴۷	۳۴۱۰۷	۵۶۰	-۸۸۳۲	۱۱۱۵۳	۳۳۲۱	-۸۰۴۰	۴۷۴۳	۲۹۹۵۰	۱۰۸۶۵۰	۱۳۸۶۰۰	
سنگال	-۲۰۶۷۴	۲۰۷۰۳	۲۹	-۳۷۹۱	۴۲۸۸	۴۹۷	-۳۸۱۷	۴۶۸۴	۸۶۷	-۵۱۲۰	۱۳۸۳۰	۸۷۱۰	
سیرالئون	-۹۰۶۳	۹۰۶۳		-۱۳۴۴	۱۳۵۷	۴۲	-۱۷۷۱	۱۴۳۵	۱۶۴	-۱۰۲۰	۲۱۲۰	۱۱۰۰	
سومالی	-۲۹۱۸	۲۹۱۸		۱۴۲	۵۹۴	۷۳۶	۱۰۰۸	۶۵۱	۷۵۹	-۲۰۰	۱۷۰۰	۱۵۰۰	
سودان	-۶۱۸۲	۱۱۳۲۲	۵۱۴۰	۱۸۰۴	۲۰۴۷	۲۸۵۱	۳۳۵۷	۲۷۴۵	۶۱۰۲	-۷۱۹۰	۱۳۴۴۰	۵۹۵۰	
تنگو	-۱۴۱۸	۱۶۷۷	۲۵۹	-۲۹۲	۴۷۶	۱۸۴	۴۹۹	۶۹۲	۱۱۹۱	-۱۴۳۰	۳۳۹۰	۱۹۶۰	

ادامه جدول ۱۰

نام کشور	غلات (دهزار دلار)			اقلام غذایی (به استثنای ماهی)			محصولات کشاورزی			کل تجارت کالا		
	واردات	صادرات	تراز تجاری	واردات	صادرات	تراز تجاری	واردات	صادرات	تراز تجاری	واردات	صادرات	تراز تجاری
تونس	۲۵۷۸۰	۱۰۶۷	-۳۲۰۷	۵۷۶۵	۲۵۵۸	-۴۹۷۹	۸۲۰۳	۳۲۲۴	-۲۲۲۹۴	۷۷۴۱۴	۵۵۱۷۰	-۲۲۲۹۴
اوگاندا	۱۱۱۰	۱۷۸۲	۷۱	۴۰۰	۴۷۱	۴۴۱۰	۵۰۱	۴۹۱۱	-۶۴۱	۷۲۹۴	۶۶۵۳	-۶۴۱
افغانستان	۴۴۴۲		-۴۰۵	۹۹۱	۵۸۶	-۳۸۹	۱۴۳۲	۱۰۴۳	-۲۹۵۰	۴۵۰۰	۱۵۵۰	-۲۹۵۰
آذربایجان	۱۱۳۶	۱۵	-۳۸۱۱	۳۹۱۶	۱۰۵	-۳۵۴۳	۴۲۴۹	۷۰۶	-۳۲۹۴	۹۶۰۶	۶۳۱۲	-۳۲۹۴
بجربن	-۲۲۴۵	۲۲۴۵		-۲۲۷۷	۲۷۹۲	۱۲۰	-۲۱۸۶	۲۳۴۴	۱۵۸	۴۲۷۳۶	۴۷۰۰۵	۱۵۸
بنگلادش		-۲۷۴۷۶	۲۷۴۸۶	۱۹	-۷۶۵۳	۷۹۰۳	۲۵۰	-۸۳۱۱	۱۱۴۹	۷۰۲۴۵	۳۴۶۱۲	۱۱۴۹
برونئی	۳۶۸۴		-۱۶۱۸	۱۸۲۹	۲۱۱	-۲۱۴۵	۲۳۶۰	۲۱۵	۹۰۰۰	۱۹۰۰۰	۲۸۰۰۰	۹۰۰۰
اندونزی	۱۹۵۷۴۳	۱۹۶۲۹۶	۵۵۳	۳۸۰۲۹	۲۳۲۸۷	۲۸۱۵	۵۶۲۳۶	۵۹۰۵۱	۶۸۸۶۳	۴۲۹۲۸۵	۴۹۸۱۴۸	۶۸۸۶۳
ایران	۹۵۲۰۰	۹۵۲۰۰		۲۳۸۴۸	۷۵۷۳	-۱۷۸۸۵	۲۷۴۰۱	۹۵۱۶	۷۵۲۳۰	۱۴۹۷۳۰	۲۲۴۹۶۰	۷۵۲۳۰
عراق	۲۳۴۰۰	۲۳۴۰۰		۸۸۳۲	۶۹	-۹۸۷۴	۹۹۵۳	۷۹	-۱۵۰۰۰	۱۹۰۰۰	۴۰۰۰	-۱۵۰۰۰
لبنان	۳۰۹۷۵	۳۱۰۰۵	۳۰	۶۴۴۲	۱۵۳۹	-۵۲۲۰	۷۰۴۴	۱۸۲۴	-۲۴۷۵۱	۴۲۹۱۴	۱۸۱۶۳	-۲۴۷۵۱
قزاقستان	۴۹۹۹۶	۶۶۶	۵۰۶۶۲	۲۴۲۸	۶۳۷۱	۲۷۸۲	۴۴۱۸	۸۱۰۰	۱۹۹۹۱	۴۲۱۱۳	۶۲۳۰۴	۱۹۹۹۱

ادامه جدول ۱۰

نام کشور	گل‌ها (دهمزدارلان)			اقلام غذایی (به استثنای ماهی)			کل محصولات کشاورزی			کل تجارت کالا			نام کشور
	تراز تجاری	واردات	صادرات	تراز تجاری	واردات	صادرات	تراز تجاری	واردات	صادرات	تراز تجاری	واردات	صادرات	
کویت	-۱۴۹۷۷	۱۶۹۷۱	۲۹۹۴	-۱۰۷۲۰	۱۱۳۰۴	۵۸۴	-۱۲۳۸۰	۱۳۱۱۲	۷۳۲	۶۵۱۶۰	۸۳۷۴۱	۱۴۸۹۰۱	
قزاقستان	-۱۰۰۹	۲۱۸۲	۱۱۷۲	-۳۹۶	۱۳۸۴	۹۸۸	۲۱۶	۱۱۲۲	۱۸۳۸	-۳۳۳۲	۸۳۷۷	۵۰۵۴	
لبنان	-۱۷۸۷۲	۱۷۸۷۲		-۸۱۷۹	۹۱۸۷	۱۰۰۸	-۱۰۷۴۵	۱۲۰۳۲	۱۲۸۷	-۶۵۲۰	۷۵۶۰۰	۱۰۱۸۰	
مالتی	-۸۸۸۰۳	۹۱۱۸۸	۲۳۸۵	۲۵۵۲۴	۳۱۳۳۰	۵۶۹۵۴	۳۴۴۹۵	۴۴۸۳۹	۷۸۲۲۴	-۲۴۶۰	۷۸۴۵۶	۷۸۱۶۹۶	
مالدیو	-۱۰۲۹	۱۰۲۹		-۴۷۲	۴۷۲		-۶۲۹	۶۲۹		-۲۴۱۲	۳۰۰۴	۵۹۲	
عمان	-۹۲۸۹	۱۱۱۲۸	۱۸۳۹	-۴۷۳۱	۵۷۹۰	۱۰۵۹	-۶۲۹۹	۸۵۳۰	۲۲۳۱	۲۶۱۰۴	۴۷۶۶۸	۷۳۳۷۲	
پاکستان	۵۶۳۲	۴۵۸۴۷	۵۱۴۷۹	-۸۹۰۱	۱۵۹۷۳	۷۰۷۲	-۶۹۱۶	۲۰۸۷۳	۱۳۸۵۷	-۳۷۰۴۰	۱۲۰۱۵۰	۸۳۱۱۰	
قطر	-۳۵۲۴	۳۶۲۰	۹۶	-۲۴۵۶	۲۶۰۲	۱۴۶	-۲۸۶۱	۳۰۱۹	۱۵۸	۹۴۴۱	۳۶۶۰۰	۴۱۰۴۱	
عمیرستان سعودی		۱۲۶۰۲۲۸	۲۶۱۹۲	۱۶۴	۳۹۸۸۷۹	۴۲۶۳۱	۲۷۵۲	۴۴۹۰۱	۴۷۲۷۷	۳۳۷۶	۲۷۷۶۴۵	۵۶۵۵۳۸	
سوریه	-۴۰۲۴	۱۵۵۶۳	۱۱۴۸۹	-۱۳۱۷	۶۳۲۳	۵۰۰۶	-۱۱۷۳	۸۴۴۹	۷۱۷۶	-۱۳۸۹۶	۵۳۷۹۶	۳۹۹۰۰	
تاجیکستان	-۹۳۰۰	۹۳۰۰		-۱۴۶۰	۱۶۷۱	۲۱۱	-۴۴۲	۱۸۹۶	۱۴۵۴	۱۱۲۵	۶۵۳۳	۷۶۵۸	
ترکیه	-۵۶۱۹۲	۷۶۰۷۶	۲۰۳۸۴	۱۴۲۲۸	۲۱۳۶۰	۳۵۵۸۸	۶۹۲۴	۴۰۰۸۰	۴۷۰۰۳	-۱۲۵۸۶۴	۳۵۷۰۹۱	۲۳۱۲۲۷	

ادامه جدول ۱۰

نام کشور	غلات (دهزار دلار)			اقلام غذایی (به استثنای ماهی)			کل محصولات کشاورزی			کل تجارت کالا			نام کشور
	تراز تجاری	واردات	صادرات	تراز تجاری	واردات	صادرات	تراز تجاری	واردات	صادرات	تراز تجاری	واردات	صادرات	
ترکمنستان	-۱۰۱۴۵	۱۰۱۴۵		-۲۲۹۳	۲۲۸۷	۹۴	۹۰۴	۲۷۴۱	۲۱۶۵	۳۷۹۲	۱۳۱۳۴	۱۶۹۲۶	
امارات	-۱۲۳۰۵	۲۲۵۲۴	۱۰۲۱۹	-۱۳۰۳۹	۱۸۲۵۴	۵۲۱۵	-۱۳۲۵۵	۲۱۲۸۴	۸۰۲۹	۱۰۴۴۱۷	۲۸۹۵۴۲	۳۹۴۵۹۵	
ازبکستان	-۱۷۵۶۵	۱۸۱۵۸	۵۹۳	-۵۴۴۳	۶۴۴۹	۱۱۰۶	۱۲۸۰۶	۷۰۸۰	۱۹۸۸۶	-۵۰۰۹	۴۷۱۱۷	۴۲۱۰۸	
چین	-۴۶۵۰۵	۴۶۵۰۵		-۱۰۴۳۳۸	۱۰۵۱۱	۷۳	-۱۱۲۴۷	۱۱۶۷۵	۴۲۸	۴۲۹۹	۱۳۶۰۱	۱۷۹۰۰۰	
آلبانی	-۱۱۱۴۰	۱۱۱۴۰		-۲۲۲۵	۲۲۶۳	۳۹	-۲۸۹۸	۳۱۰۲	۲۰۴	-۶۰۵۵	۸۷۵۵	۲۷۰۰	
فلسطین	-۴۵۰۰	۴۵۰۰		۱۲۹	۶۸۲	۸۱۱	۱۲۹	۶۸۲	۸۱۱	-۳۰۰۰	۴۰۰۰	۱۰۰۰	
گویانا	۸۳۰۶	۱۰۶۶	۹۳۷۷	۹۴۶	۴۱۳	۱۳۵۹	۹۱۳	۵۰۲	۱۴۱۵	-۱۴۲	۵۸۹۰	۵۷۴۸	
جمع	-۱۳۴۵۸۲	۱۴۳۱۵۵	۱۸۵۵۴۲	-۲۱۲۸۵۶	۴۰۳۳۶۵	۱۹۰۹۰۹	-۱۸۸۷۸۰	۵۱۵۴۳۴	۲۱۷۱۵۴	۱۴۳۳۱۳	۳۷۳۰۱۹۸	۲۸۷۳۵۱۱	
کل جهان	-۵۲۰۴۰۱	۵۲۸۰۸۲۲	۴۸۱۰۴۲۱	-۱۱۱۷۸۷	۳۳۴۱۲۷	۳۱۳۵۱۴۰	-۱۲۵۴۲۱	۴۶۶۲۱۸۰	۴۳۳۶۷۵۹	-۷۳۸۸۰۰	۵۳۱۵۱۴۰۰	۵۳۲۱۲۶۰۰	
منبع: IDIC جهان		۲۶/۶۰	۳/۸۲		۱۲/۴۵	۶/۱۱		۱۰/۸۲	۷/۰۶		۶/۹۱	۷/۴۷	

مأخذ:

FAO Trade Yearbook 1996. Food and Agricultural organization of the united Nations. Rome, 1997.

جدول ۱۱- سهم هر کشور از تجارت خارجی کل کشورهای اسلامی (درصد)

غلات		اقلام غذایی (به استثنای ماهی)		کل محصولات کشاورزی		کل تجارت کالا		نام کشور
واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	
۶/۱	۰/۰	۵/۵	۰/۳	۵/۲	۰/۲	۲/۹	۲/۵	الجزایر
۰/۲	۰/۰	۰/۳	۰/۱	۰/۲	۰/۶	۰/۲	۰/۱	بنین
۰/۳	۰/۰	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۴	۰/۱	۰/۰	بورکینافاسو
۰/۱	۰/۰	۰/۲	۱/۵	۰/۲	۱/۹	۰/۳	۰/۴	کامرون
۰/۱	۰/۰	۰/۱	۰/۲	۰/۱	۰/۴	۰/۱	۰/۱	چاد
۰/۱	۰/۰	۰/۱	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	کومور
۱۱/۹	۶/۴	۷/۹	۱/۹	۷/۵	۱/۶	۳/۵	۰/۹	مصر
۰/۲	۰/۰	۰/۳	۰/۰	۰/۳	۰/۰	۰/۲	۰/۱	گابن
۰/۲	۰/۰	۰/۲	۰/۱	۰/۲	۰/۰	۰/۱	۰/۰	گامبیا
۰/۲	۰/۰	۰/۲	۰/۱	۰/۴	۰/۱	۰/۲	۰/۲	گینه

ادامه جدول ۱۱

غلات		اقلام غذایی (به استثنای ماهی)		کل محصولات کشاورزی		کل تجارت کالا		نام کشور
واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	
۰/۱	۰/۰	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۰	۰/۰	گینه بیسائو
۲/۹	۰/۰	۲/۶	۰/۱	۲/۵	۰/۱	۱/۳	۲/۵	لیبی
۰/۱	۰/۲	۰/۲	۰/۶	۰/۲	۱/۰	۰/۲	۰/۱	مالی
۰/۵	۰/۰	۰/۴	۰/۲	۰/۳	۰/۱	۰/۱	۰/۱	موردانی
۴/۲	۰/۵	۳/۲	۴/۱	۳/۳	۲/۷	۲/۲	۱/۲	مراکش
۰/۷	۰/۰	۰/۵	۰/۲	۰/۴	۰/۲	۰/۲	۰/۰	موزامبیک
۰/۲	۰/۰	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۱	۰/۱	۰/۱	نیجر
۲/۴	۰/۳	۲/۸	۱/۲	۲/۵	۱/۴	۲/۹	۳/۵	نیجریه
۱/۴	۰/۰	۱/۱	۰/۳	۰/۹	۰/۳	۰/۴	۰/۲	سنگال
۰/۶	۰/۰	۰/۳	۰/۰	۰/۳	۰/۱	۰/۱	۰/۰	سیرالئون
۰/۲	۰/۰	۰/۱	۰/۴	۰/۱	۰/۲	۰/۰	۰/۰	سومالی

ادامه جدول ۱۱

غلات		اقلام غذایی (به استثنای ماهی)		کل محصولات کشاورزی		کل تجارت کالا		نام کشور
واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	
۰/۸	۲/۸	۰/۵	۲/۰	۰/۵	۱/۹	۰/۴	۰/۱	سودان
۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۴	۰/۱	۰/۰	نیوگرو
۱/۸	۰/۶	۱/۴	۱/۳	۱/۶	۱/۰	۲/۱	۱/۴	تونس
۰/۱	۱/۰	۰/۱	۰/۲	۰/۱	۱/۵	۰/۲	۰/۲	اوگاندا
۰/۳	۰/۰	۰/۲	۰/۳	۰/۳	۰/۳	۰/۱	۰/۰	افغانستان
۰/۱	۰/۰	۱/۰	۰/۱	۰/۸	۰/۲	۰/۳	۰/۲	آذربایجان
۰/۲	۰/۰	۰/۷	۰/۱	۰/۶	۰/۰	۱/۱	۱/۲	بحرین
۱/۹	۰/۰	۲/۰	۰/۱	۱/۸	۰/۴	۱/۹	۰/۹	بنگلادش
۰/۲	۰/۰	۰/۵	۰/۱	۰/۵	۰/۱	۰/۵	۰/۷	برونئی
۱۳/۷	۰/۳	۹/۴	۱۲/۸	۱۰/۹	۱۸/۰	۱۱/۵	۱۲/۵	اندونزی
۶/۷	۰/۰	۵/۹	۴/۰	۵/۳	۲/۹	۴/۰	۵/۷	ایران

ادامه جدول ۱۱

غلات		اقلام غذایی (به استثنای ماهی)		کل محصولات کشاورزی		کل تجارت کالا		نام کشور
واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	
۲/۲	۰/۰	۲/۲	۰/۰	۱/۹	۰/۰	۰/۵	۰/۱	عراق
۷/۲	۰/۰	۱/۶	۰/۸	۱/۴	۰/۶	۱/۲	۰/۵	اردن
۰/۰	۲۷/۳	۰/۶	۳/۳	۰/۸	۲/۵	۱/۱	۱/۶	قزاقستان
۱/۲	۱/۶	۲/۸	۰/۳	۲/۵	۰/۲	۲/۲	۳/۷	کویت
۰/۲	۰/۶	۰/۳	۰/۵	۰/۳	۰/۶	۰/۲	۰/۱	قرقیزستان
۱/۲	۰/۰	۲/۳	۰/۵	۲/۳	۰/۴	۲/۰	۰/۳	لبنان
۶/۴	۱/۳	۷/۸	۲۹/۸	۸/۵	۲۳/۹	۲۱/۰	۱۹/۷	مالزی
۰/۱	۰/۰	۰/۱	۰/۰	۰/۱	۰/۰	۰/۱	۰/۰	مالدیو
۰/۸	۱/۰	۱/۴	۰/۶	۱/۷	۰/۷	۱/۳	۱/۸	عمان
۳/۲	۲۷/۷	۴/۰	۳/۷	۴/۰	۴/۳	۳/۲	۲/۱	پاکستان
۰/۳	۰/۱	۰/۶	۰/۱	۰/۶	۰/۰	۰/۸	۱/۰	قطر
۸/۸	۰/۱	۱۰/۶	۱/۴	۹/۲	۱/۰	۷/۴	۱۴/۲	عربستان سعودی

ادامه جدول ۱۱

غلات		اقلام غذایی (به استثنای ماهی)		کل محصولات کشاورزی		کل تجارت کالا		نام کشور
واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	
۱/۱	۶/۲	۱/۶	۲/۶	۱/۶	۲/۲	۱/۴	۱/۰	سوریه
۰/۱	۰/۰	۰/۴	۰/۱	۰/۴	۰/۴	۰/۲	۰/۲	تاجیکستان
۵/۳	۱۱/۰	۵/۳	۱۸/۶	۷/۸	۱۴/۴	۹/۶	۵/۸	ترکیه
۰/۷	۰/۰	۰/۶	۰/۰	۰/۵	۱/۱	۰/۴	۰/۴	ترکمنستان
۱/۶	۵/۵	۴/۵	۲/۷	۴/۱	۲/۵	۷/۸	۹/۹	امارات
۱/۳	۰/۳	۱/۶	۰/۶	۱/۴	۶/۱	۱/۳	۱/۱	ازبکستان
۳/۲	۰/۰	۲/۶	۰/۰	۲/۳	۰/۱	۰/۴	۰/۵	یمن
۰/۸	۰/۰	۰/۲	۰/۰	۰/۶	۰/۱	۰/۲	۰/۱	آلبانی
۰/۳	۰/۰	۰/۲	۰/۴	۰/۱	۰/۲	۰/۱	۰/۰	فلسطین
۰/۱	۵/۱	۰/۱	۰/۷	۰/۱	۰/۴	۰/۲	۰/۱	گویانا
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	کل کشورها

منبع:

FAO Trade Yearbook 1996. Food and Agricultural organization of the united Nations. Rome, 1997.

جدول ۱۲- سهم محصولات کشاورزی، اقلام غذایی و غلات از کل تجارت کالایی هر کشور در سال ۱۹۹۶ (درصد)

نام کشور	کل محصولات کشاورزی		اقلام غذایی (به استثنای ماهی)		غلات	
	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات
الجزایر	۰/۷	۲۴/۶	۰/۶	۲۰/۵	۰/۰	۸۰/۲
بنین	۴۴/۳	۱۸/۳	۶/۷	۱۵/۳	۰/۰	۴۸/۹
بورکینافاسو	۸۲/۰	۱۷/۲	۲۴/۳	۱۴/۷	۲/۱	۷۱/۵
کامرون	۳۵/۵	۷/۴	۱۶/۵	۵/۶	۰/۰	۹/۰
چاد	۵۸/۸	۱۷/۰	۱۵/۴	۱۳/۲	۰/۰	۵۸/۱
کمور	۴۲/۰	۳۶/۱	۴۲/۰	۳۵/۰	۰/۰	۱۶۲/۵
مصر	۱۴/۷	۲۹/۷	۱۰/۲	۲۴/۶	۲۳/۸	۱۳۰/۶
نگابن	۰/۳	۱۷/۸	۰/۱	۱۴/۹	۰/۰	۳۳/۰
نگامیا	۳۶/۴	۳۲/۳	۲۹/۳	۲۸/۶	۲/۰	۱۱۱/۶
گینه	۵/۷	۲۳/۷	۲/۵	۲۰/۵	۰/۰	۸۳/۴
گینه بیسائو	۱۰۳/۸	۵۳/۳	۹۷/۶	۴۶/۷	۰/۰	۳۱۸/۴
لیبی	۰/۵	۲۵/۹	۰/۲	۲۱/۰	۰/۰	۸۳/۶
مالی	۷۹/۰	۱۳/۰	۲۸/۶	۹/۸	۸/۰	۲۸/۹
موریتانی	۷/۱	۶۳/۱	۷/۰	۵۷/۰	۰/۰	۲۷۵/۴
مراکش	۱۸/۹	۲۰/۶	۱۶/۵	۱۵/۵	۲/۰	۷۳/۷
موزامبیک	۲۶/۱	۲۸/۰	۱۶/۰	۲۴/۵	۰/۰	۱۲۹/۰
نیجر	۱۴/۲	۲۴/۱	۱۲/۶	۱۷/۰	۰/۰	۶۶/۷
نیجریه	۳/۴	۱۱/۸	۱/۷	۱۰/۳	۰/۴	۳۱/۴
سنگال	۱۰/۰	۳۳/۹	۵/۷	۳۱/۰	۰/۳	۱۴۹/۷
سیرالئون	۱۴/۹	۶۷/۷	۳/۹	۶۴/۰	۰/۰	۴۲۷/۵
سومالی	۵۰/۶	۳۸/۳	۴۹/۱	۳۴/۹	۰/۰	۱۷۱/۶
سودان	۱۰۲/۶	۲۰/۹	۶۴/۷	۱۵/۶	۸۶/۴	۸۶/۲
توگو	۶۰/۸	۲۰/۴	۹/۴	۱۴/۰	۱۳/۲	۴۹/۵
تونس	۵/۸	۱۰/۶	۴/۶	۷/۴	۱/۹	۳۳/۳
اوگاندا	۷۳/۸	۶/۹	۷/۱	۵/۵	۲۶/۸	۱۵/۲
افغانستان	۶۷/۳	۳۱/۸	۳۷/۸	۲۲/۰	۰/۰	۹۶/۵
آذربایجان	۱۱/۲	۴۴/۲	۱/۷	۴۰/۸	۰/۲	۱۲/۰
بحرین	۰/۳	۷/۸	۰/۳	۶/۵	۰/۰	۷/۶

ادامه جدول ۱۲

نام کشور	کل محصولات کشاورزی		قلام غذایی (به استثنای ماهی)		غلات	
	صادرات	واردات	صادرات	واردات	صادرات	واردات
بنگلادش	۳/۳	۱۳/۵	۰/۷	۱۱/۳	۰/۱	۳۹/۱
برونئی	۰/۸	۱۲/۴	۰/۸	۹/۶	۰/۰	۱۹/۴
اندونزی	۱۱/۹	۱۳/۱	۴/۹	۸/۹	۰/۱	۴۵/۷
ایران	۴/۲	۱۸/۳	۳/۴	۱۵/۹	۰/۰	۶۳/۶
عراق	۲/۰	۵۲/۴	۱/۷	۲۶/۵	۰/۰	۱۲۲/۶
اردن	۱۰/۰	۱۶/۴	۸/۵	۱۵/۰	۰/۲	۷۲/۲
قزاقستان	۱۳/۰	۱۰/۱	۱۰/۲	۵/۷	۸۱/۳	۱/۶
کویت	۰/۵	۱۵/۷	۰/۴	۱۳/۵	۲/۰	۲۰/۳
قرقیزستان	۳۶/۴	۱۹/۴	۱۹/۵	۱۶/۵	۲۳/۲	۲۶/۰
لبنان	۱۲/۶	۱۵/۹	۹/۹	۱۲/۲	۰/۰	۲۳/۶
مالزی	۱۰/۰	۵/۶	۷/۳	۴/۰	۰/۳	۱۱/۶
مالدیو	۰/۰	۲۰/۹	۰/۰	۱۵/۷	۰/۰	۳۴/۳
عمان	۳/۰	۱۸/۰	۱/۴	۱۲/۲	۲/۵	۲۳/۵
پاکستان	۱۶/۸	۱۷/۴	۸/۵	۱۳/۳	۶۱/۹	۳۸/۲
قطر	۰/۴	۹/۶	۰/۴	۸/۲	۰/۲	۱۱/۵
عربستان سعودی	۰/۶	۱۷/۰	۰/۵	۱۵/۴	۰/۰	۴۵/۵
سوریه	۱۸/۲	۱۵/۷	۱۲/۵	۱۱/۸	۲۸/۸	۲۸/۸
تاجیکستان	۱۹/۰	۲۹/۰	۲/۸	۲۵/۶	۰/۰	۱۴۲/۴
ترکیه	۲۰/۳	۱۱/۲	۱۵/۴	۶/۰	۸/۸	۲۱/۳
ترکمنستان	۲۱/۵	۲۰/۹	۰/۶	۱۸/۲	۰/۰	۷۷/۲
امارات	۲/۰	۷/۴	۱/۳	۶/۳	۲/۶	۷/۸
ازبکستان	۴۷/۲	۱۵/۰	۲/۶	۱۳/۷	۱/۴	۳۸/۵
یمن	۲/۴	۸۵/۸	۰/۴	۷۷/۳	۰/۰	۳۴۱/۹
آلبانی	۷/۶	۳۵/۴	۱/۴	۲۵/۹	۰/۰	۱۲۷/۲
فلسطین	۸۱/۱	۱۷/۱	۸۱/۱	۱۷/۱	۰/۰	۱۱۲/۵
گویان	۲۴/۶	۸/۵	۲۳/۶	۷/۰	۱۶۳/۰	۱۸/۱
کل کشورها	۸/۲	۱۳/۸	۴/۸	۱۰/۸	۴/۷	۳۸/۴

مأخذ:

FAO Trade Yearbook 1996. Food and Agricultural organization of the United Nations.

Rome, 1997.

جدول ۱۳- تجارت اقلام غذایی

سال	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳
کشورهای اسلامی	۴/۸	۵/۱	۵/۵	۵/۵	۵/۷
کشورهای توسعه یافته	۷۴/۲	۷۵	۷۵/۳	۷۶	۷۵/۱
کشورهای در حال توسعه	۲۵/۸	۲۵	۲۴/۷	۲۴	۲۴/۹
کل کشورهای جهان	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
سهم اقلام غذایی در صادرات					
سال	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳
کشورهای اسلامی	۲/۳	۴/۲	۴/۶	۴/۶	۴/۶
کشورهای توسعه یافته	۸/۱	۶	۶/۲	۶/۴	۶/۲
کشورهای در حال توسعه	۶/۸	۶/۷	۶/۳	۶/۱	۵/۶
کل کشورهای جهان	۷/۷	۶/۲	۶/۳	۶/۴	۶
سهم اقلام غذایی در کل صادرات کالا					
سال	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳
کشورهای اسلامی	۱۴/۵	۱۱/۴	۱۰/۳	۱۰/۵	۱۱/۸
کشورهای توسعه یافته	۶۸/۷	۷۴/۳	۷۴/۹	۷۴/۳	۷۴/۱
کشورهای در حال توسعه	۳۱/۳	۲۵/۶	۲۵/۱	۲۵/۷	۲۵/۹
کل کشورهای جهان	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
سهم گروه های غذایی از واردات					
سال	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳
کشورهای اسلامی	۱۳/۹	۱۲/۴	۱۰/۱	۱۰/۱	۱۰/۳
کشورهای توسعه یافته	۷/۵	۶/۳	۶/۶	۶/۸	۶/۶
کشورهای در حال توسعه	۱۱/۱	۷/۸	۶/۹	۶/۸	۵/۸
کل کشورهای جهان	۸/۳	۶/۶	۶/۷	۶/۸	۶/۳
سهم اقلام غذایی از کل واردات کالا					
سال	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳
کشورهای اسلامی	۳۰/۶	۴۰/۶	۳۸/۴	۳۷/۲	۳۵/۶
کشورهای توسعه یافته	۹۹/۳	۹۱/۴	۹۱/۹	۹۲/۷	۹۵/۳
کشورهای در حال توسعه	۷۵/۸	۸۸/۵	۸۹/۸	۸۴/۵	۹۰/۴
کل کشورهای جهان	۹۱/۹	۹۰/۶	۹۱/۳	۹۰/۶	۹۴
نسبت صادرات به واردات اقلام غذایی					

ادامه جدول ۱۳

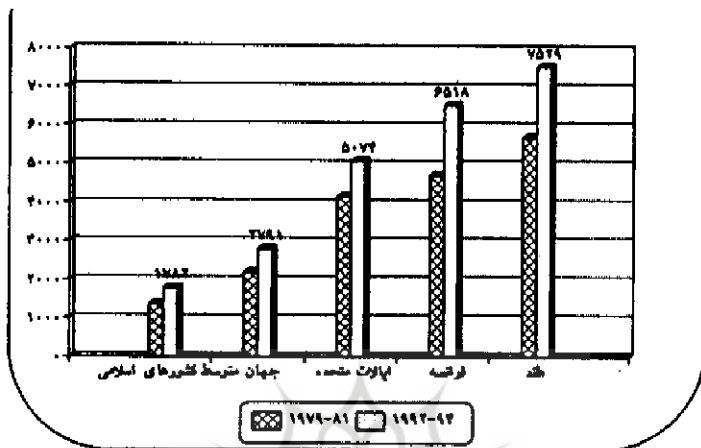
نوع رشد صادرات اقلام غذایی	سال			
	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۸۰-۱۹۹۰
کشورهای اسلامی	-۰/۴	۷/۳	۹/۸	۳/۹
کشورهای توسعه یافته		-۶/۶	۲/۱	۳/۴
کشورهای در حال توسعه	-۲	۵/۱	۰/۷	۳
کل کشورهای جهان	-۵/۵	۸/۲	۱/۷	۳/۳
نوع رشد واردات اقلام غذایی	سال			
	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۸۰-۱۹۹۰
	۳	۹/۸	-۷/۸	۱
	-۹/۲	۸/۳	۱/۵	۴/۳
	-۸/۴	۱۱/۷	-۰/۸	۱/۴
کل کشورهای جهان	-۹	۹/۲	۰/۹	۳/۴

مأخذ: Oker Gurler, Food production, Trade and Consumption in the OIC Countries Journal of Economic Cooperation among Islamic countries

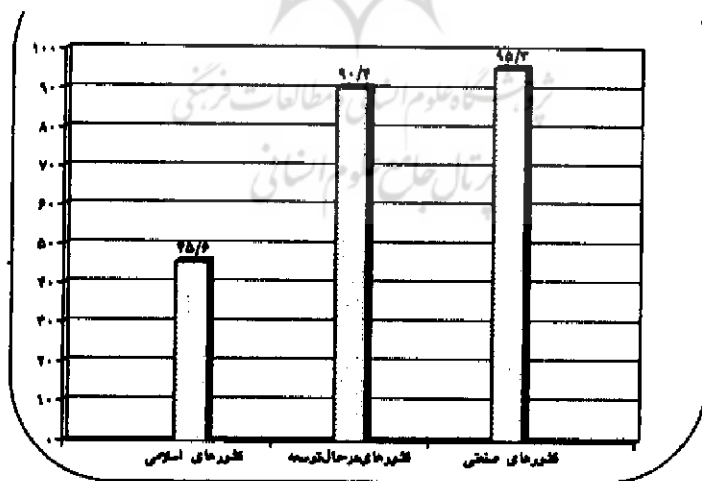
در اینجا نیز باید توجه داشت که طی سالهای مذکور میزان واردات اقلام غذایی کشورهای اسلامی بطور مطلق افزایش داشته است. در سال ۱۹۸۰، کسری تراز تجاری اقلام غذایی کشورهای اسلامی معادل ۱۷/۱ میلیارد دلار بوده است. این کشورها موفق شدند که این کسری را به ۱۶/۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ و ۱۲/۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۱ کاهش دهند اما کسری مذکور مجدداً از سال ۱۹۹۲ شروع به افزایش نمود و در سال ۱۹۹۳ به ۱۵/۴ میلیارد دلار رسید. کسری تراز تجاری اقلام غذایی کشورهای اسلامی در سال ۱۹۹۶ بالغ بر ۲۱/۳ میلیارد دلار بوده است (جدول ۱۰).

مقایسه نسبت صادرات به واردات اقلام غذایی کشورهای اسلامی با کشورهای در حال توسعه و همچنین کشورهای توسعه یافته حاکی از لزوم مدیریت و کنترل کسری تراز تجاری اقلام غذایی کشورهای اسلامی در جهت کاهش آن می باشد. مقایسه وضعیت کشورهای اسلامی با سایر کشورهای در حال توسعه (که نسبت به کشورهای توسعه یافته از مشابهت بیشتری برخوردارند) نیز بیانگر وخامت تولید محصولات غذایی در کشورهای اسلامی است که کسری شدید تراز تجاری اقلام غذایی را در کشورهای اسلامی به دنبال داشته است.

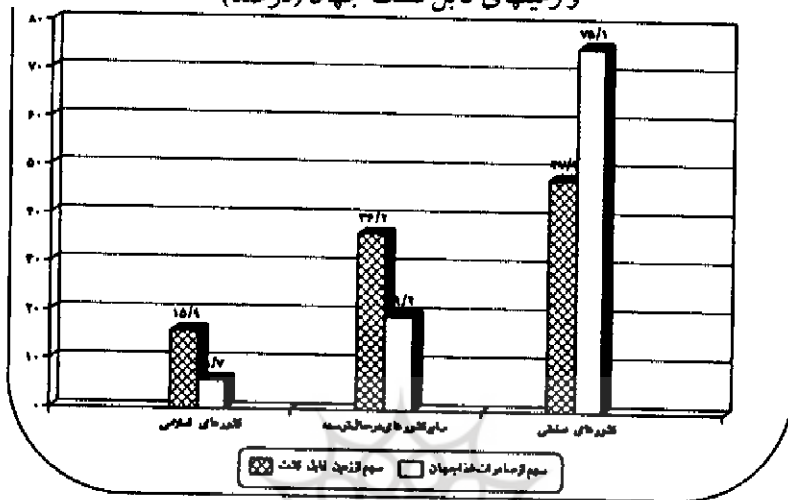
نمودار ۱- بهره‌وری در تولید غلات
(کیلوگرم در هکتار)



نمودار ۲- نسبت صادرات به واردات اقلام غذایی (درصد)



نمودار ۳- سهم گروههای کشوری از صادرات اقلام غذایی
و زمینهای قابل کشت جهان (درصد)



در سال ۱۹۸۰، نسبت صادرات به واردات اقلام غذایی (که بیانگر آن بخش از واردات مواد غذایی است که از طریق صادرات مواد غذایی تأمین می‌گردد) در کشورهای اسلامی معادل ۳۰/۶ درصد بوده که در سال ۱۹۹۱ به ۴۸/۴ درصد رسیده ولی پس از آن مجدداً کاهش و در سال ۱۹۹۳ به ۴۵/۶ درصد رسیده است. در حالی که این نسبت برای کشورهای توسعه یافته در سال ۱۹۸۰ بیش از ۹۹ درصد بوده که نشان می‌دهد تقریباً تمامی واردات مواد غذایی این کشورها از طریق صادرات مواد غذایی تأمین شده است. نسبت مذکور برای کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۸۰ معادل ۷۵/۸ درصد بوده که از آن پس افزایش و در سال ۱۹۹۳ به ۹۰/۴ درصد بوده است.

در مجموع، گرچه کشورهای اسلامی طی سالهای دهه ۱۹۸۰ روند خوبی را در کاهش کسری تراز تجاری مواد غذایی خود طی کرده‌اند اما با شروع دهه ۱۹۹۰ مجدداً این روند بدتر شده است. نسبت صادرات به واردات اقلام غذایی در کشورهای اسلامی کمتر از نصف نسبت مذکور برای کشورهای توسعه یافته، و حتی کشورهای در حال توسعه بوده که این امر نشان می‌دهد که وضعیت موجود کشورهای اسلامی به عنوان واردکننده خالص اقلام غذایی در سالهای آینده نیز ادامه خواهد یافت.

سهم اقلام غذایی از کل صادرات کشورهای اسلامی بسیار ناچیز می‌باشد به طوری که این سهم در

سال ۱۹۸۰ معادل ۲/۳ درصد بوده که در سال ۱۹۹۰ به ۴/۲ افزایش و در سال ۱۹۹۶ به ۴/۸ درصد رسیده است. سهم مذکور برای کشورهای توسعه یافته ۶ درصد بوده که به ۶/۴ درصد رسیده و برای کشورهای در حال توسعه از ۵/۶ درصد به ۶/۷ درصد افزایش یافته است. در سمت واردات، سهم مواد غذایی از واردات کشورهای اسلامی از ۱۳/۹ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۱۲/۴ درصد در سال ۱۹۹۰ و ۱۰/۸ درصد در سال ۱۹۹۶ رسیده است. لازم به ذکر است که سهم مواد غذایی از واردات کشورهای اسلامی بیش از سهم مواد غذایی از واردات کشورهای در حال توسعه، کشورهای توسعه یافته و متوسط کل جهان بوده است. بر این اساس، اقلام غذایی در صادرات کشورهای اسلامی نسبت به سایر کشورها از اهمیت کمتری برخوردار است در حالی که در واردات کشورهای اسلامی نسبت به سایر کشورها از اهمیت بیشتری برخوردار است. تجارت اقلام غذایی کشورهای اسلامی برای هر یک از کشورها در جدول (۱۰) نشان داده شده است.

۸-۴. تجارت غلات

میزان صادرات و واردات غلات کشورهای اسلامی در سال ۱۹۹۶ در جدول شماره (۱۰) نشان داده شده است. به طوری که در این جدول ملاحظه می‌گردد، عدم تعادل و کسری تراز تجاری این اقلام حتی شدیدتر از کسری تراز تجاری کل مواد غذایی می‌باشد به طوری که نسبت صادرات به واردات غلات در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی به عنوان یک گروه، بسیار پایین است. ارزش واردات غلات کشورهای اسلامی در سال ۱۹۹۶ بالغ بر ۱۴/۳ میلیارد دلار بوده در حالی که ارزش صادرات غلات این کشورها در این سال فقط ۱/۹ میلیارد دلار بوده که بر این اساس نسبت صادرات به واردات معادل ۱۳ درصد می‌باشد.

جدول (۱۴) نشان دهنده سطح زیر کشت، بازده تولید، میزان تولید و صادرات و واردات غلات کشورهای اسلامی و مقایسه آن با کل جهان می‌باشد. به طوری که در این جدول ملاحظه می‌گردد، به رغم آن که در سال ۱۹۹۷ بیش از ۲۱ درصد از سطح زیر کشت غلات جهان به کشورهای اسلامی اختصاص داشته اما سهم این کشورها از کل تولید غلات فقط ۱۲/۴ درصد بوده است. این امر عمدتاً ناشی از پایین بودن بازدهی تولید غلات در کشورهای اسلامی بوده که تقریباً نصف بازدهی کل جهان می‌باشد. به طوری که در این جدول ملاحظه می‌گردد سهم کشورهای اسلامی از صادرات و واردات غلات جهان به ترتیب ۳/۸ و ۲۶/۶ درصد (در سال ۱۹۹۶) بوده است.

جدول ۱۴- سطح زیرکشت، میزان تولید و صادرات و واردات غلات در کشورهای اسلامی و کل کشورهای جهان (۱۹۹۶)

واردات غلات	میزان صادرات غلات (میلیارد دلار)	میزان تولید غلات (میلیون تن)	تولید در هکتار غلات (کیلوگرم بر هکتار)	سطح زیر کشت غلات (هکتار)	کشورهای اسلامی جهان
۱۴/۳	۱/۸۶	۲۶.۹۸۴	۱۷۴۴	۱۴۹۶۴۷	کشورهای اسلامی جهان
۵۳/۸	۴۸/۶	۲۰.۹۶۴۳۰	۲۹۷۱	۷۰.۵۶۲۳	جهان
۲۶/۶	۳/۸	۱۲/۴	۵۸/۷	۲۱/۲	سهم از OIC جهان (درصد)

منبع:

FAO, Trade Yearbook 1996. Food and Agricultural organisation of the United Nations . Rome , 1997.

FAO, production Yearbook 1997. Food and Agricultural organisation of the United Nations. Rome, 1998.

جمع بندی و ملاحظات

منطقه‌ای که اکثر کشورهای اسلامی در آن واقع شده‌اند، عمدتاً از نظر جغرافیایی برای فعالیت‌های کشاورزی مطلوب نمی‌باشد. این امر باعث گردیده تا اگر چه کشورهای اسلامی در مجموع ۲۰/۷ درصد از زمینهای جهان را در اختیار دارند، اما سهم آنها از زمینهای قابل کشت جهان به ۱۵/۹ درصد بالغ گردد. ناکافی بودن میزان زمینهای قابل کشت از یک سو و رشد سریع جمعیت کشورهای اسلامی از سوی دیگر، مسأله دسترسی به مواد غذایی را در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی با اهمیت‌تر ساخته است.

به‌رغم موفقیت‌هایی که کشورهای اسلامی طی سالهای گذشته در رابطه با افزایش تولید محصولات غذایی اصلی خود به دست آورده‌اند، میزان واردات اقلام غذایی این کشورها به علت افزایش شدید تقاضا، افزایش یافته است. این امر بیانگر آن است که میزان تولید مواد غذایی در کشورهای اسلامی بسیار کمتر از حد مورد نیاز برای رسیدن به خود ا تکایی در این محصولات می‌باشد. مقاله حاضر بیانگر آن است که با توجه به بالا بودن سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی اکثر کشورهای اسلامی، این کشورها در گروه کشورهای متکی به کشاورزی قرار می‌گیرند. به طوری که ملاحظه گردید، کشورهای اسلامی هم در امر محصولات کشاورزی و هم در امر اقلام غذایی وارد کننده خالص می‌باشند. صادرات مواد غذایی فقط ۳/۴۷ درصد از واردات آنها را جبران می‌نماید (سال ۱۹۹۶) که این نسبت در مورد محصولات کشاورزی ۵/۶۳ درصد می‌باشد. به علاوه در مقایسه با سایر کشورها، مواد غذایی سهم قابل ملاحظه‌ای از کل واردات کالایی این کشورها را به خود اختصاص می‌دهد. در حالی که سهم مواد غذایی از کل واردات کالایی جهان در سال ۱۹۹۶ معادل ۶ درصد بوده است این سهم برای کشورهای اسلامی بالغ بر ۸/۱۰ درصد بوده است.

به‌رغم چنین وابستگی شدیدی که کشورهای اسلامی به واردات مواد غذایی دارند، عرضه مواد غذایی در این کشورها هنوز به حدی نیست که بتواند میزان دسترسی مردم این کشورها را به مواد غذایی به سطح متوسط جهان برساند. مهم‌ترین مسأله‌ای که در رابطه با وضعیت مواد غذایی کشورهای اسلامی وجود دارد، آن است که گر چه این کشورها طی دوره مورد بررسی اقداماتی را جهت افزایش تولید سرانه مواد غذایی در کشور خود انجام داده‌اند، اما این کشورها همچنان برای تأمین واردات خود به کشورهای خارج از سازمان (کشورهای غیر عضو) وابسته‌اند. چنانچه با پیش کاملاً اقتصادی به وضعیت تولید و تجارت مواد غذایی در کشورهای اسلامی نگریسته شود، ممکن است وضعیت موجود زیاد نگران کننده نباشد، اما در زندگی واقعی، ملاحظات سیاسی نیز به عوامل اقتصادی اضافه

می‌شوند که بر این اساس غذا به عنوان محصول بسیار استراتژیک باید مورد توجه زیادی قرار گیرد و اتکای زیاد کشورهای اسلامی به کشورهای غیراسلامی باید کاهش یابد. با توجه به نتایج مذاکرات گات، واردات مواد غذایی در کوتاه مدت برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه به سبب افزایش قیمت محصولات کشاورزی گرانتر خواهد شد. آزاد سازی تجارت جهانی محصولات کشاورزی تحت تأثیر اجرای گات، به سبب کاهش یارانه‌های بخش کشاورزی، موجب کاهش مازاد تولیدات کشاورزی در کشورهای پیشرفته شده و در نتیجه کاهش محصول، قیمت در بازار جهانی افزایش خواهد یافت. بر این اساس حداقل در کوتاه مدت، کشورهایی که به طور خالص وارد کننده محصولات کشاورزی هستند (به ویژه در آفریقا و خاورمیانه) و از جمله کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی زیان خواهند دید. اگر افزایش قیمت محصولات کشاورزی حدود ۱۰ درصد فرض گردد، میزان افزایش پرداخت خالص کشورهای اسلامی برای محصولات کشاورزی براساس اطلاعات سال ۱۹۹۶ معادل ۲/۴ میلیارد دلار خواهد بود.

بررسی وضعیت کشورهایی که در تولید و تجارت محصولات کشاورزی و اقلام غذایی پیشرفت خوبی داشته‌اند، نشان می‌دهد که دولت‌ها بازیگران اصلی در تحقق امنیت غذایی هستند. تنها دولت‌ها می‌توانند محیط تجاری و اقتصاد کلان مساعد و پایدار لازم را برای رسیدن به امنیت غذایی ملی ایجاد نمایند. رسیدن به امنیت غذایی پایدار، مستلزم آن است که دولت‌ها در زمینه‌های مختلف سیاستگذاری عمل کنند. سیاستگذاری‌های بخش کشاورزی باید رشد مداوم و پایدار را ترویج نمایند تا هم عرضه داخلی غذا و هم صادرات کشاورزی افزایش یابد. برای تضمین امنیت غذایی، استراتژی ترکیب تولید و تجارت خارجی در سطح جهان، تأیید کننده ضرورت تولید محصولات اساسی با هدف خود بسندگی به ویژه برای کشورهای در حال توسعه می‌باشد.

کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی برای افزایش امنیت غذایی خود و کاهش اتکای به سایرین باید اقداماتی را اخذ نمایند که برخی از آنها را می‌توان به شرح زیر نام برد:

۱. بازنگرسی تعهدات سیاسی کشورهای اسلامی در قبال موضوع غذا و امنیت غذایی و تلاش در جهت افزایش تولید و دسترسی به مواد غذایی.
۲. ایجاد تغییرات ضروری در سیاست‌های اتخاذ شده برای ایجاد ارتباط مؤثرتر بین امنیت غذایی و استراتژی‌های توسعه کشاورزی، و بهبود تحقیقات کشاورزی و سیستم‌های انتقال تکنولوژی.
۳. افزایش همکاری هر یک از دولت‌های عضو با سازمان کنفرانس اسلامی به منظور افزایش تولید، ایجاد ذخیره مواد غذایی و بالابردن ضریب امنیت غذایی کل کشورهای عضو.

۴. ترغیب بانک توسعه اسلامی و سایر مؤسسات مالی به منظور ایفای نقش فعال‌تر در تأمین مالی پروژه‌های کشاورزی و تولید اقلام غذایی در کشورهای عضو در سطح کشوری و کل سازمان کنفرانس اسلامی.
۵. حداکثر استفاده از پتانسیل‌های موجود در کشورهای عضو در جهت تولید مواد غذایی و همکاری کشورهای عضو در این زمینه.
۶. همکاری کشورهای اسلامی در تحقیقات کشاورزی و اتخاذ اقدامات جدی برای حمایت و تقویت فعالیتهای تحقیقاتی مشترک در زمینه کشاورزی.
۷. آغاز همکاریهای مشترک در زمینه مساعدتهای تکنیکی و آموزشی و همکاری فنی در عرصه کشاورزی.
۸. یافتن راههایی برای مقابله با پدیده‌های طبیعی تهدیدکننده امنیت غذایی کشورهای عضو و کاهش اثر این پدیده‌ها.
۹. تأکید بیشتر بر صنایع وابسته به کشاورزی مانند صنایع تولیدکننده ماشین‌آلات کشاورزی، کود شیمیایی، سموم دفع آفات و همچنین صنایع فرآوری محصولات کشاورزی.
۱۰. اتخاذ اقدامات ضروری برای بهبود زیربنای کشاورزی و تسهیلات حمل و نقل به منظور کاهش ضایعات بخش کشاورزی و افزایش سهولت دسترسی کشاورزان به بازارهای مصرف.
۱۱. بالا بردن استانداردهای زندگی در بخش روستایی کشورهای اسلامی به منظور افزایش بهره‌وری نیروی کار و جمعیت شاغل در بخش کشاورزی.
۱۲. افزایش بهره‌وری فعالیتهای کشاورزی از طریق برنامه‌های آموزشی و ترویجی و همچنین بکارگیری روشهای نوین علمی در امر تولید محصولات کشاورزی و غذایی.

منابع

۱. عبادی، فرزانه. آزاد سازی تجارت جهانی و امنیت غذایی در کشورهای در حال توسعه. مؤسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی. تهران: ۱۳۷۷.
۲. گزارش سالانه سازمان خوار بار و کشاورزی جهانی درباره کشاورزی جهان، وضعیت غذا و کشاورزی در سال ۱۹۹۶. دفتر سازمانهای بین‌المللی و منطقه‌ای، ۱۳۷۶.
3. FAO, Production Yearbook , 1997. Food and Agricultural Organization of the United Nations, Rome, 1998.
4. FAO, Trade Yearbook, 1996. Food and Agricultural Organization of the United Nations, Rome, 1997.
5. Food and Agricultural strategy: A Frame work for OIC Co - Operation, Dec 1994, Reference Document for the Fourth Meeting of Agricultural Ministers, 14 - 16 January 1995, Thearn, Iran.
6. I.M. Sturgess. Self - Sufficiency and Food security in the UK and EC, Journal of Agricultural Economics. vol 43, No. 3,1992.
7. Melek Cakmak. Food Security in the OIC Countries, Journal of Economic Cooperation Among Islamic Countries. July 1990, vol XI, No. 3-4.
8. Oker Gurler. Food production, Trade and Consumption in the OIC Countries, Journal of Economic Cooperation Among Islamic Countries. July - October 1996, vol XVII, No. 3-4.